

People-Centricity in the Resistance Economy

Sajad Seiflo1

Vol. 1
Autumn 2024
P.P: 30-69

Research Paper

Received:
21 May 2024
Accepted:
15 September 2024

Abstract

The role of the people in the **Resistance Economy** is highly prominent. The first major policy of the Resistance Economy is dedicated to activating all financial capabilities and resources, as well as human and practical capital within the country. This specific clause of the communicated Resistance Economy policies emphasizes maximizing the participation of all members of society in economic activities. Fundamentally, the Resistance Economy cannot be conceptualized without the people and their active role.

In the Resistance Economy, people are twofold: on one hand, they are the **subject** of the relevant economic policies, and the impact of economic measures specifically reaches them; on the other hand, they must actively participate in the Resistance Economy, creating the grounds for achieving its objectives and benefiting from its blessings. Hence, two roles exist for the people in the Resistance Economy: the **Resilient People** and the **Resilience Enabler** (People as Enablers).

In the first dimension, which focuses on strengthening the individual level, the policies of the Resistance Economy have paid special attention. Unless people themselves reach an acceptable level of economic security and comfort, it is evident they cannot play an appropriate role at the macro and national economic levels. This **Resilient People** must then take on an economic role in the national economy and set the country's economy in motion. This second dimension, whose importance is manifold greater than the first, is referred to as the **Resilience Enabler**. The Resilient People move towards the goals of the Resistance Economy through motivation regarding economic plans and programs and by demonstrating their will in supporting them."

Keywords: Resistance Economy, People-Centricity

DOR: ...

چارچوب مفهومی مردم محوری در اقتصاد مقاومتی

سجاد سیفلو

۱

سال اول-شماره ۱

پاییز ۱۴۰۳

صص: ۳۰ - ۶۹

I

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۳/۰۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۶/۲۵

چکیده:

نقش مردم در اقتصاد مقاومتی بسیار برجسته است. اولین سیاست کلان اقتصاد مقاومتی به فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و عملی کشور اختصاص دارد. در این بند از سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی به صورت خاص بر حداکثر رسانی مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی تاکید شده است. اساساً نمی‌توان اقتصاد مقاومتی را بدون مردم و نقش آفرینی آنان متصور بود. در این مقاله به روش توصیف، چارچوب مفهومی مردم محوری در جهت عملیاتی شدن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی تبیین شده است. در اقتصاد مقاومتی مردم از یک سو موضوع سیاست‌های اقتصادی مربوطه هستند و اثر اقدامات اقتصادی به صورت خاص به ایشان می‌رسد و از سوی دیگر باید به صورت فعالانه در اقتصاد مقاومتی نقش آفرینی نموده و زمینه‌های بروز اهداف آن و بهره‌مندی از برکات آن را فراهم نمایند. لذا دو نقش مردم مقاوم و مردم مقاوم ساز در اقتصاد مقاومتی برای مردم وجود دارد. در بعد اول که تقویت مردم در سطح فردی توجه دارد سیاست‌های اقتصاد مقاومتی نیز به صورت خاص توجه ویژه‌ای داشته است. مردم تا خود به سطح قابل قبولی از امنیت و آسایش اقتصادی نرسیده‌اند، بدیهی است که نتوانند نقش آفرینی مناسبی در سطح کلان و اقتصاد ملی داشته باشند. این مردم مقاوم باید به نقش آفرینی اقتصادی در اقتصاد ملی و به حرکت در آوردن اقتصاد کشور اقدام نمایند. این بعد که اهمیت آن چند برابر بعد اول است به مردم مقاوم‌ساز تعبیر شده است. مردم مقاوم با انگیزش نسبت به طرح‌ها و برنامه‌های اقتصادی و بروز اراده خود در حمایت از آنها، در جهت اهداف اقتصاد مقاومتی حرکت می‌نمایند.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی، مردم محوری، مردم مقاوم، مردم مقاوم ساز، مقاوم سازی اقتصادی

DOR:.....

مقدمه و بیان مسئله

«اقتصاد مقاومتی» اولین بار از سوی مقام معظم رهبری در شهریور سال ۱۳۸۹ مطرح گردید. ایشان با تکیه بر دو دلیل «فشار اقتصادی دشمنان» و «آمادگی کشور برای جهش»، «اقتصاد مقاومتی» را به معنا و مفهوم «کارآفرینی» معرفی نمودند (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از کارآفرینان، ۱۳۸۹/۶/۱۶). سپس ایشان در تاریخ مرداد سال ۱۳۹۱ مولفه‌ها و الزامات اقتصاد مقاومتی را بر اساس «رونق تولید و اشتغال»، «رشد اقتصادی و رفاه»، «مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر»، «استفاده از تولیدات داخلی»، «مردمی کردن اقتصاد»، «کاهش وابستگی به نفت»، «فشار اقتصادی دشمن بر کشور»، «تاکید بر اقتصاد دانش بنیان»، مورد تبیین قرار دادند (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۰۳). در ماه بعد نیز اقتصاد مقاومتی را «داشتن اقتصادی رو به رشد با آسیب‌پذیری کمتر در مقابل ترفندهای دشمن» معنی و معرفی نموده و مواردی همچون «حمایت از بخش خصوصی»، «حمایت از تولید ملی و بخش درونزای اقتصاد»، «رسیدگی به اقتصاد دانش بنیان»، «فعال کردن واحدهای کوچک و متوسط اقتصادی»، «استفاده از همه‌ی ظرفیتهای دولتی و مردمی» را بعنوان ارکان اقتصاد مقاومتی معرفی کردند (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۱/۶/۰۲). تأکیدات مقام معظم رهبری با ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در اواخر بهمن سال ۱۳۹۲ کامل شد و ایشان بصورت جامع، سیاست‌های کلان ۲۴گانه اقتصاد مقاومتی را ابلاغ نمودند.

بی تردید رسیدن به اهداف بلند اقتصاد مقاومتی، نیازمند تغییرات و ایجاد زیرساخت‌های گسترده‌ای در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و حقوقی کسب و کارهاست. با دامنه وسیعی که سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی دارند، تک تک افراد و نهادهای جامعه و کشور نقش و مسئولیت خاصی را می‌توانند عهده دار باشند. یکی از روشن‌ترین ابعاد مورد تأکید در سخنرانی‌های مربوط به اقتصاد مقاومتی و همچنین سیاست‌های ابلاغی آن، نقش مردم در اقتصاد مقاومتی است که انجای مختلف بیان شده است. «مردمی کردن اقتصاد»، «استفاده از همه‌ی ظرفیتهای دولتی و مردمی» و «حمایت از بخش خصوص» تنها بخشی از این عبارات است.

نقش مردم در اقتصاد مقاومتی بسیار برجسته است. از بین ۲۴ سیاست کلان ابلاغی اقتصاد مقاومتی، اولین سیاست به فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و عملی کشور اختصاص دارد. در این بند از سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی به صورت خاص بر حداکثر رسانی مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی تأکید شده است.^۱ در بیانات مقام معظم رهبری در تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در اسفند ۹۲ که مولفه‌های و ویژگی‌ها اقتصاد مقاومتی در قالب ده مولفه و ویژگی تبیین شده است، مولفه پنجم به طور خاص به نقش و جایگاه مردم در اقتصاد مقاومتی اشاره دارد.

«نکته‌ی پنجم، مردم‌محوری است که در این سیاست‌ها ملاحظه شده. تجربه هم به ما نشان می‌دهد، بیانات و معارف اسلامی هم تأکید می‌کند که هر جا مردم می‌آیند دست خدا هم هست. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ مَعَ الْجَمَاعَةِ؛ هر جا مردم هستند، عنایت الهی و كَمِكَ الْهَي و پشتیبانی الهی هم هست؛ نشانه و نمونه‌ی آن، دفاع هشت‌ساله، نمونه‌ی آن خود انقلاب، و نمونه‌ی آن گذر از گردنه‌های دشوار این ۳۵ سال [است] چون مردم در میدان بودند، کارها پیش رفته؛ ما در زمینه‌ی اقتصادی به این کمتر بها دادیم. سیاست‌های اصل ۴۴ را که ما تصویب کردیم و ابلاغ کردیم، برای همین بود؛ البته حق آن چنان که باید و شاید ادا نشد. من در همین جا همان سالها، در جلسه‌ی با مسئولین راجع به سیاست‌های اصل ۴۴ صحبت کردم، مورد تصدیق همه بود؛ در عمل هم کارهایی انجام گرفت که بایستی شکرگزار بود، لکن آنچنان که حق آن سیاستها بود عمل نشد. ما بایست به مردم تکیه کنیم، بها بدهیم؛ مردم با امکاناتشان باید بیایند در وسط میدان اقتصادی؛ فعالان، کارآفرینان، مبتکران، صاحبان مهارت، صاحبان سرمایه، نیروهای متراکم و بی‌پایانی که در این کشور وجود دارد، که واقعاً این نیروها هم بی‌شمارند. بنده سال‌های متمادی است که سروکار دارم با قشرهای مختلف مردم؛ در عین حال گاهی یک چیزهایی برای ما آشکار میشود که من می‌بینم از اینها هم غافل بودیم. این قدر عناصر آماده‌ی به کار، یا دارای مهارت، یا دارای ابتکار، یا دارای دانش، یا دارای سرمایه در کشور هستند که اینها تشنه‌ی کارند؛ دولت بایستی برای حضور اینها زمینه‌سازی کند، اینها را راهنمایی کند

۱ - تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط.

که کجاها می‌توانند توان خودشان را به کار ببندند، از آنها حمایت بکند؛ مسئولیت عمده‌ی دولت این است. حالا فعالیت اقتصادی دولت در یک بخش‌های ناگزیری، قهراً وجود خواهد داشت؛ لکن باید فعالیت اقتصادی به مردم داده بشود؛ که در این سیاست‌ها مورد ملاحظه قرار گرفت.» (بیانات مقام معظم رهبری در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

علاوه بر این تأکیدات روشن و واضح، مقام معظم رهبری در سخنرانی‌های متعدد به نقش تاثیرگذار و مهم مردم در تمامی عرصه‌ها و بخصوص عرصه اقتصاد اشاره کرده‌اند. برای نمونه در سخنرانی خود در جمع مردم تبریز به صراحت بیان داشتند:

«در دوران طاغوت میگفتند کشور صاحب دارد؛ صاحب کشور کیست؟ شاه؛ درحالی‌که او یک انگل و سربار و زیادی در کشور بود، نه صاحب کشور؛ صاحب کشور مردمند؛ بله، کشور صاحب دارد؛ صاحب کشور کیست؟ مردم. کار وقتی دست خود مردم سپرده شد - که صاحبان کشورند، صاحبان آینده‌اند - آن وقت کارها به سامان خواهد رسید. تدبیر مسئولان در هر برهه‌ای از زمان در دوران جمهوری اسلامی، باید این باشد؛ کارها با تدبیر، با برنامه‌ریزی، با ملاحظه‌ی همه‌ی ظرایف و دقایق در اختیار مردم گذاشته بشود؛ آن وقت کارها پیش خواهد رفت. ما هم از اوّل انقلاب تا امروز هر وقتی هر کاری را محوّل به مردم کردیم، آن کار پیش رفته است؛ هر کاری را انحصاری در اختیار مسئولان و رؤسا و مانند اینها قرار دادیم، کار متوقف مانده است. نمی‌گوییم حالا همیشه هم متوقف مانده اما غالباً یا متوقف یا گُند [شده]؛ اگر متوقف نمانده است، گُند پیش رفته است. اما کار دست مردم که افتاد، مردم کار را خوب پیش می‌برند.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم آذربایجان، ۱۳۹۳/۱۱/۲۹).

اعتقاد به سپردن امور دست مردم در بیانات مقام معظم رهبری تنها اختصاص به ایران و جمهوری اسلامی ایران ندارد بلکه ایشان معتقدند:

«این مخصوص ما هم نیست؛ این را هم عرض بکنم که این مخصوص ما ایرانی‌ها نیست. در هر نقطه‌ای اگر کار دست مردم قرار گرفت و مردم دارای هدف بودند - [نه] آدمهای بی‌هدف، آدمهای سرگردان در امور زندگی، گرفتار امور روزمره‌ی شخصی، آنها نه - هر جور کاری، سخت‌ترین کارها، کارهای نظامی،

کارهای امنیتی، دست مردم وقتی افتاد، صحنه وقتی در اختیار مردم قرار گرفت، پیش خواهد رفت.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم آذربایجان، ۱۳۹۳/۱۱/۲۹).

بدون شک همانطور که از بیانات مقام معظم رهبری و سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی برمی‌آید، تکیه‌ی عمده‌ی اقتصاد مقاومتی روی مردم است. حضور مردم در صحنه اقتصاد و سپردن امور اقتصادی به دست مردم می‌تواند مصادیق و مفاهیم مختلفی داشته باشد. ما در این مقاله تلاش خواهیم نمود که بر اساس سیاست‌های ابلاغی و مفهوم اقتصاد مقاومتی، جایگاه مردم در اقتصاد مقاومتی را تبیین نموده و مفهوم مردم محوری در اقتصاد مقاومتی را به صورت روشن ارائه نماییم. از این رو در ادامه، بعد از بررسی پیشینه تحقیق، نخست به صورت مختصر، در خصوص مفهوم اقتصاد مقاومتی به جمع‌بندی رسیده و سپس در آن چارچوب به تبیین نقش مردم و مردم محوری اقتصادی مقاومتی خواهیم پرداخت.

۲- پیشینه تحقیق

تحقیقات پیشین مربوط به تحقیق حاضر در سه دسته قابل طرح و بررسی هستند. اولین دسته به مفهوم شناسی و تبیین نظری اقتصاد مقاومتی مربوط است که در تبیین و توسعه یک چارچوب نظری برای شناخت جایگاه مردم و مفهوم مردم محوری در اقتصاد مقاومتی ضروری است. دسته دوم پژوهش‌هایی است که در مورد نقش مردم و مردم محوری و اقتصاد مقاومتی صورت گرفته است.

۲-۱- دسته اول: اقتصاد مقاومتی

به‌رغم جدید بودن موضوع اقتصاد مقاومتی و همچنین داخلی بودن آن، تعداد تحقیق‌های صورت گرفته در این خصوص چشمگیر است که نشان‌دهنده حساسیت جامعه علمی نسبت به موضوع اقتصاد مقاومتی است. سیف (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان «الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران»، با استفاده از اصطلاح «فتریت اقتصادی» برگرفته از بریگالکیو و همکاران (۲۰۰۶)، به تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی و ارائه الگو برای اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است.

میرمعزی (۱۳۹۱) در تحقیق خود تحت عنوان «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن»، با استناد به بیانات مقام معظم رهبری، درصدد ارائه تفسیری روشن از اقتصاد مقاومتی برآمده است. فرضیه تحقیق این است که از دیدگاه مقام معظم رهبری، اقتصاد مقاومتی شکل خاصی از نظام اقتصادی اسلام است که در وضعیت حمله همه‌جانبه اقتصادی دشمن که کیان نظام اسلامی را به خطر می‌اندازد، پدید می‌آید. مشابه این تحقیق، اسدی (۱۳۹۳)، در تحقیقی با عنوان «نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی»، مطرح می‌کند که اقتصاد مقاومتی محصول اقتصاد اسلامی است و هر اقتصاد اسلامی ذاتا مقاومتی است. بنابراین مناسب‌ترین راه برای تحقق اقتصادی پویا و مقاوم؛ پیگیری اجرای اقتصاد اسلامی است.

محمدی مقدم و علی‌پور (۱۳۹۱)، در تحقیقی با عنوان «مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری»، با توجه به اینکه اقتصاد مقاومتی برای اولین بار توسط مقام معظم رهبری مطرح شده است و در مجامع و منابع علمی در عرصه عمل و تجارب بشری مابه‌ازای واقعی نداشته است، با استفاده از روش تحلیل محتوا به مفهوم‌شناسی و بررسی ابعاد اقتصاد مقاومتی پرداخته است. سیفلو (۱۳۹۳ب)، نیز در پژوهشی با عنوان «مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی»، کوشیده است با بیان تقسیم‌بندی‌های رایج در علم اقتصاد، مفهوم اقتصاد مقاومتی را از طریق تعیین جایگاه آن در پارادایم علم اقتصاد با بهره‌گیری از تحلیل گفتمان سخنانان مقام معظم رهبری و تحلیل منطقی روشن‌تر نماید. فرضیه تحقیق، این است که اقتصاد مقاومتی یک راهبرد اقتصادی است که به مفهوم مقاومت‌سازی به معنی فعالانه آن است که با مفهوم «تاب‌آوری اقتصادی» در ادبیات بین‌المللی تناظر و نزدیکی بسیاری دارد.

تراب‌زاده جهرمی و همکاران (۱۳۹۲)، در تحقیق خود با عنوان «بررسی ابعاد و مولفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، با روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، سخنان مقام معظم رهبری را تحلیل نموده و مدل مفهومی سخنان ایشان پیرامون ابعاد، ویژگی‌ها و الزامات اقتصاد مقاومتی را استخراج نموده‌اند.

حسین‌زاده بحرینی (۱۳۹۲) در مقاله «اقتصاد مقاومتی؛ راهکاری برای توسعه»، به تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی پرداخته است. ایشان معتقد است «اگر بخواهیم تعریفی آکادمیک از واژه اقتصاد مقاومتی داشته

باشم، بدون اینکه بخواهم آن را به رهبری منتسب کنم، عرض می‌کنم که اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که مدیریت آن، مدیریتی راهبردی و همه‌جانبه‌نگر است».

سیفلو (۱۳۹۳الف) در مقاله خود با عنوان «اقتصاد مقاومتی راهبرد دفاع غیرعامل اقتصادی»، با توسعه مفهومی مفاهیم دفاع، دفاع غیرعامل، جنگ و جنگ اقتصادی، اقتصاد مقاومتی را به عنوان راهبرد دفاع غیرعامل اقتصادی تبیین و تشریح کرده است. این مقاله همچنین الگویی عملیاتی برای پیاده‌سازی و رسیدن به قدرت و استحکام اقتصادی در سه سطح کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت ارائه داده است.

عباس‌آباد عربی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان «مدل مفهومی اقتصاد مقاومتی با تأکید بر الگوی چابکی سازمان‌ها»، پس از بررسی ضرورت، چابک‌سازی سازمان‌ها برای دستیابی به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و با توجه به ادبیات اقتصاد مقاومتی و چابکی، ابعاد اقتصاد مقاومتی چابک پیشنهاد گردیده است.

هزاوئی و زیرکی‌حیدری (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان «اقتصاد مقاومتی؛ نماد مدیریت جهادی در اقتصاد سیاسی ایران»، با طرح این پرسش که راه‌کار اصلی تحول در اقتصاد سیاسی ایران چیست؟ این فرضیه را که اقتصاد مقاومتی به عنوان نماد مدیریت جهادی و الزامات آن در شرایط تحریم‌های جدید اقتصادی می‌تواند عامل موثری برای ایجاد تحول اساسی در اقتصاد سیاسی ایران باشد را مورد بررسی قرار داده است. در این تحقیق بعد از طرح مبانی نظری رویکرد اقتصاد سیاسی و تعاریف مرتبط و پیامدهای اقتصادی آن، نهایتاً اقتصاد مقاومتی به عنوان راه حل آن‌ها بحث شده است. در این راهکار، اقتصاد مقاومتی به عنوان رویکردی که در شرایط تهدید اقتصاد کشور می‌تواند به فرصتی برای تحول ساختاری در اقتصاد سیاسی تبدیل شود، نگریسته شده است.

غیاثوند (۱۳۹۳) در گزارش «مروری بر ادبیات جهانی درباره تاب‌آوری ملی»، باتکیه بر این نکته که رویکرد اصلی در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ارتقای مقاومت و تاب‌آوری اقتصادی ملی در مسیر تحقق اهداف سند چشم‌انداز می‌باشد، مباحث مطرح در خصوص تاب‌آوری ملی و تجربیات سایر کشورها در این خصوص را تدوین نموده است. فروغی‌زاده و خاندوزی (۱۳۹۳) نیز در گزارش تحقیقاتی خود با

عنوان «ارزیابی شاخص‌های جهانی برای سنجش درجه مقاومت اقتصادی»، ضمن تبیین مفهوم اقتصاد مقاوم، شاخص‌هایی که در سطح بین‌المللی برای سنجش درجه مقاومت اقتصادی به کار می‌روند معرفی و جایگاه اقتصاد ایران در این شاخص‌ها را تبیین می‌نمایند.

فشاری و پورغفار (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران»، به تعریف و بیان مفهومی اقتصاد مقاومتی و همچنین تبیین شاخص‌ها و مولفه‌های آن، راهکارهایی برای ترویج فرهنگ اقتصاد مقاومتی و مقابله با تحریم‌ها و همچنین تقویت توان و ظرفیت تولید داخلی پرداخته‌اند.

عباس آباد عربی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله خود تحت عنوان «مدل مفهومی اقتصاد مقاومتی با تأکید بر الگوی چابکی سازمان‌ها»، پس از مرور ادبیات اقتصاد مقاومتی و چابکی، به بررسی ضرورت چابک سازی سازمان‌ها برای دستیابی به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی پرداخته و با توجه به ادبیات اقتصاد مقاومتی و چابکی، ابعاد اقتصاد مقاومتی چابک پیشنهاد نموده‌اند. پس از بررسی‌های انجام شده برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی چابک، مدل مفهومی اقتصاد مقاومتی چابک پیشنهاد گردیده که براساس آن می‌توان با چابک سازی سازمان به اقتصاد مقاومتی چابک دست یافت.

امیری طهرانی‌زاده (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان «مبانی سیستمی اقتصاد مقاومتی»، تلاش کرده است مبانی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را از منظر نظام‌های اقتصادی بررسی و تنقیح نماید. پرسش اصلی مقاله این است که کدامین نظام اقتصادی از ظرفیت و توان تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی برخوردار است. فرضیه مقاله این است که با توجه به ویژگی و ظرفیت نظام اقتصاد اسلامی، به نظر می‌رسد که نظریه بازار اسلامی و مفاهیم حق معاش و عدالت تولیدی در قلمرو اقتصاد اسلامی می‌تواند مبانی سیستمی اقتصاد مقاومتی را توضیح دهند.

امام جمعه زاده و محمودی رجا (۱۳۹۴)، در تحقیق خود با عنوان «تجزیه و تحلیل جایگاه اقتصاد مقاومتی در تحقق گفتمان الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و چشم انداز افق ۱۴۰۴»، با روش توصیفی - تحلیلی، در پی تحلیل و تشریح اقتصاد مقاومتی، گفتمان الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، ابزار و الزامات

اتخاذ استراتژی های این رویکرد است. یافته های تحقیق نشان می دهد اقتصاد مقاومتی با الهام گیری از اقتصاد اسلامی با بهره گیری از ظرفیت و توانایی های افراد، ضمن نقد جریانات حاکم بر جهان فعلی؛ به بعد عدالت و مالکیت بر مبنای ویژگی های چون: تطابق بازار و شرع، شفافیت قوی درونزا و برونزا، حاکمیت اخلاق اسلامی، هدایت و نظارت توأم دولت و ملت، بهبود وضع معیشت، عدالت محوری و تولید ثروت بر مبنای شرعی و بومی در دستور کار قرار داده است.

صمدی قربانی (۱۳۹۶)، در مقاله خود با عنوان، « بررسی تحلیلی نسبت اقتصاد مقاومتی با نظام اقتصادی اسلام به عنوان گره اصلی در عدم پیشرفت اجرایی سیاستهای ابلاغی رهبر معظم انقلاب» با استفاده از روش اسنادی، با محور قراردادن تعریفی که رهبری در مقدمه سیاستهای ابلاغی از این نسبت می کند ضمن بررسی انتقادی آرای موجود در این باره و نیز نگاهی به ویژگی های مفهومهایی مانند: اقتصاد مقاومتی، مقاومت اقتصادی، نظام اقتصادی اسلام و ... در اندیشه معظم له به این نتیجه می رسد که خواستگاه اصلی مفهوم مقاومت اقتصادی به عنوان یکی از ویژگی های اصلی نظام اقتصادی اسلام، آموزه های اسلامی است؛ بنابراین بهترین ظرف اجرایی برای آن نیز همین نظام خواهد بود. اگر این سیاستها در بستر نظام اقتصادی اسلام و با رویکردهایی مانند اتکا به دانش و فناوری، عدالت بنیانی، درونزایی، برونگرایی و ... که مقام معظم رهبری برای آن بر شمرده اند پیگیری نشوند، هیچ تضمینی برای دستیابی به هدف های تعیین شده برای آن وجود نخواهد داشت.

فرزندی اردکانی و همکاران (۱۳۹۷)، در مقاله ای با عنوان «طراحی الگوی راهبردی - فرهنگی اقتصاد مقاومتی با ملاحظه اقتصادی - دفاعی مبتنی بر اندیشه های مقام معظم رهبری در ج.ا.ایران»، با توجه به شش مفهوم اقتصادی - فرهنگی: ۱. اقتصاد دفاع ۲. قرآن و سنت ۳. اندیشه رهبران انقلاب اسلامی ۴. اقتضائات زمانی اقتصاد ج.ا. ایران ۵. دانش و تجارب داخلی و بین المللی در مفاهیم عملیاتی اقتصاد ۶. اقتضائات اقتصادی - دفاعی ج.ا.ایران، پژوهش های پراکنده حوزه اقتصاد مقاومتی با رویکرد اقتصادی - دفاعی را در ۷ محور اصلی دسته بندی و پس از تشریح هر یک، چارچوبی جامع از ارتباط این تحقیقات با مفهوم کلان اقتصاد دفاع ارائه نموده اند. در شناسایی ابعاد ۷ گانه تحقیقات این حوزه، از تحلیل داده های میدانی و

کتابخانه‌ای استفاده شده است و با رویکرد گروه کانونی ابتدا از طریق مصاحبه مجموعه نظرات افراد خبره دریافت و سپس دسته‌بندی شده و در نهایت به صورت الگو مطرح گردیده است.

رحمان‌پور (۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان « بررسی مبانی و اصول اقتصاد مقاومتی از دیدگاه قرآن»، با هدف برجسته ساختن و استخراج مبانی و اصول اقتصاد مقاومتی از دیدگاه قرآن با روش کیفی و با استفاده از روش تحلیل محتوای اسنادی و کتابخانه‌ای، ابتدا به روش تحلیل محتوا، از بین مقالات و نوشته های معتبر و بر مبنای بیانات مقام معظم رهبری، مبانی و اصول اقتصاد مقاومتی را به همراه مضامین آن‌ها، استخراج و در جداول جداگانه دسته بندی و تلخیص نموده است. در ادامه، به روش کتابخانه‌ای، با مراجعه به قرآن، آیاتی که با مضامین مربوط به مبانی و اصول اقتصاد مقاومتی ارتباط داشت، استخراج و در قالب جدول جداگانه، مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج نشان داد که برخی از مهمترین مبانی اقتصاد مقاومتی از دیدگاه قرآن عبارت‌اند از: تجلی توحید در اقتصاد، تفقه در احکام اقتصادی، عملیات اقتصادی مظهر عبودیت، جهاد اقتصادی همراه با عدالت، رشد اقتصادی، سعی و تلاش مجاهده اقتصادی، اشتغالات خاص اقتصادی در جهت ریشه‌کنی فقر و استضعاف مالی. از جمله اصول مهم نیز از دیدگاه قرآن، کار اقتصادی و ارزش افزوده، عدالت خدماتی در توزیع، گردش آزاد ثروت، خوداتکایی، قناعت و مصرف بهینه.

توتونچیان و افشاراحمدی (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان « اقتصاد مقاومتی به مثابه یکی از مولفه‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در شرایط تحریم»، با هدف پاسخگویی به این سوال که: اقتصاد مقاومتی به عنوان الگوی اقتصادی مدنظر رهبر معظم انقلاب اسلامی در چه صورتی می‌تواند به عنوان دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار گیرد؟ با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات از اسناد، کتب، مقالات و سخنرانی‌های رهبری معظم انقلاب اسلامی، به این نتیجه رسیده است که اقتصاد اسلامی با مدنظر قرار دادن سبک زندگی اسلامی-ایرانی، توجه به توان داخلی ملت‌ها در برابر شرایط تحریم، نفی وابستگی و همچنین اقتصاد عدالت‌محور می‌تواند بخشی از دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نیز تلقی شود. بدین ترتیب، شاخصه‌های اقتصاد مقاومتی در صورت تحقق

می‌توانند جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یک مدل و الگو مطرح سازند و نفوذ و اعتبار بین‌المللی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یک نظام سیاسی مستقل در شرایط تحریم نیز افزایش دهند. سیف و همکاران (۱۳۹۸)، در تحقیق خود با عنوان «الگوی عدالت اقتصادی در چارچوب اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران»، با بهره‌گیری از روش آمیخته با به‌کارگیری روش‌های کیفی، موردی - زمینه‌ای نظریه داده بنیاد و انجام مصاحبه با خبرگان، مجموعه‌ای از آسیب‌ها، چالش‌ها، ظرفیت‌ها و مؤلفه‌های عدالت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران تهیه و در نهایت الگویی برای عدالت اقتصادی کشور ارائه شده است.

فروزانفر و همکاران (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «طراحی الگوی اقتصاد مقاومتی بر اساس بیانات مقام معظم رهبری»، با هدف طراحی الگوی اقتصاد مقاومتی بر اساس بیانات مقام معظم رهبری به روش توصیفی پیمایشی و روش همبستگی و روش معادلات ساختاری به این نتیجه رسیده است که در میان ابعاد اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی دارای بالاترین همبستگی است از طرفی و پس از حصول مدل پژوهش، کلیه شاخص‌های برازش مدل نهایی نشان‌دهنده وضعیت مطلوب و قابل قبولی می‌باشند.

توکلی (۱۳۹۸)، در تحقیق خود تحت عنوان «بررسی نسبت اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی»، با استفاده از روش تحلیلی به تبیین نسبت میان اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی پرداخته است. بنا به فرضیه مقاله، اقتصاد مقاومتی یکی از کلان نظریه‌های اقتصاد اسلامی است که ناظر به تجزیه و تحلیل آسیب‌پذیری و مقاوم‌سازی نظام اقتصادی با رویکرد اسلامی می‌باشد. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که تعریف اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یکی از کلان نظریه‌های اقتصادی اسلام به فهم بهتر جایگاه اقتصاد مقاومتی در ادبیات اقتصاد اسلامی کمک می‌کند. در این چارچوب نظریه اقتصاد مقاومتی به تجزیه و تحلیل علل آسیب‌پذیری اقتصادی از نگاه اسلامی و راهبردهای اسلامی برطرف کردن این آسیب‌ها و مقاوم‌سازی نظام اقتصادی با رویکرد اسلامی می‌پردازد. البته نظریه اقتصاد مقاومتی را می‌توان بر شرایط زمانی و مکانی جمهوری اسلامی ایران و یا دیگر کشورها تطبیق و ابعاد نظری آن را بسط داد. ابعاد مختلف نظری نظریه اقتصاد مقاومتی با دیگر کلان نظریه‌های اقتصاد اسلامی در زمینه‌هایی همچون پیشرفت و عدالت نیز ارتباط

می‌یابد. در این راستا، ادبیات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را می‌توان با توجه به مباحث الگوی مقاوم‌سازی اقتصادی با رویکرد اسلامی ارتقا داد.

رحیمی و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان « مفهوم اقتصاد مقاومتی (اقتصاد پویا) » به صورت مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی به این نتیجه رسیده است که جمهوری اسلامی ایران که همیشه در معرض دشمنی قرار داشته و در برابر آنها مقاومت کرده است باید اقتصادی باشد که همه مولفه‌های آن متناسب با این وضع باشد که از آن به اقتصاد مقاومتی تعبیر می‌شود.

۲-۲- مردم محوری و اقتصاد مقاومتی

صاحب‌نظران تلاش علمی چندانی در این حوزه انجام نداده‌اند. بخصوص در تبیین مفهومی این حوزه کاستی اساسی وجود دارد.

یوسفی و غفاری (۱۳۹۵)، در مقاله خود با عنوان « نقش مردم در اقتصاد مقاومتی (با تأکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب)»، تالیف مناسبی از بیانات مقام معظم رهبری در خصوص نقش مردم در اقتصاد و جامعه فراهم نموده‌اند. ابعاد و زوایای مختلفی از ضرورت‌های ملی، آسیب‌ها، سیاست‌ها در این پژوهش تبیین شده است و همچنین وظایف مردم و مسئولان در قبال این موضوع را در بیانات رهبر معظم انقلاب گردآوری نموده است.

کرباسی (۱۳۹۶) در مقاله خود با عنوان «نقش مردم در تحقق و توسعه اقتصاد مقاومتی» عناصر اصلی نقش مردم را در شش مولفه شامل: ۱- باور و ایمان؛ ۲- ترجیح خودی بر بیگانه؛ ۳- اصلاح الگوی مصرف؛ ۴- الگوی کسب و کار؛ ۵- تحمل و بردباری؛ ۶- همکاری و یاری‌رسانی تبیین نموده و سپس به الزامات این نقش در سه مورد پرداخته شده که عبارتند از: الف) حضور همه جانبه؛ ب) ایفای نقش مطالبه‌گری؛ ج) تحقق فرهنگ کار و تلاش. آنگاه آفتهای نقش مردم مورد بررسی قرار گرفته که طی آن: الف) سودجویی و ثروت اندوزی؛ ب) احتکار کالا؛ ج) عرضه کالای بی کیفیت و گران‌فروشی؛ د) قاچاق کالا و ارز؛ مورد بحث قرار گرفته است.

قاسمی و رجایی رامشه (۱۳۹۶) در تحقیق خود با عنوان «مولفه‌ها، معیارها و شاخص‌های مردم محوری در اقتصاد مقاومتی»، با روش تحقیق توصیفی و تحلیل متون مولفه‌ها مربوطه را کشف نموده‌اند. در تبیین نقش مکمل حکومت اسلامی در این ساختار، وظایف مربوطه در سه دسته کلی برنامه‌ریزی، هدایت و نظارت به ایشان محول شده است. در این مقاله در فضایی که مردم تصدی تمامی فعالیت‌های اقتصادی را به عهده دارند و دولت فقط اعمال حاکمیت می‌کند، مولفه‌های ساختار مردم محوری اقتصاد عبارتند از: ۱- تصمیم‌گیری و اراده مردم ۲- سرمایه‌گذاری مردمی ۳- مدیریت مردمی بنگاه‌های اقتصادی. همچنین با سه معیار سهولت حضور مردم در اقتصاد، تمایل مردم به کسب و کار خصوصی، و عدالت تخصیصی و توزیعی در میان مردم می‌توان وجود ساختار مردم محور را در اقتصاد تشخیص داد. شاخص‌های تعیین کننده درجه این ساختار در یک نظام اقتصادی نیز مورد توجه قرار گرفته است. این مقاله هرچند تلاش قابل توجهی در جهت موضوع تحقیق حاضر نیز است ولی از آنجا که نتوانسته است چارچوبی مفهومی برای مردم محوری ایجاد نکرده است با آنچه در این مقاله به عنوان چارچوب مفهومی مردم محوری بحث خواهد شد متفاوت است هرچند در مواردی بتوان از این تحقیق بهره جست.

کمرپوریان و مرادی (۱۳۹۷) در مقاله ای تحت عنوان «نقش مردم در تحقق اقتصاد مقاومتی»، با اشاره به تقابل میان کشور و کشورهای غربی و توسل این کشورها به تحریم‌های اقتصادی به جای توسل به جنگ و ابزارهای نظامی راهبرد اقتصاد مقاومتی به عنوان پدافندی در مقابل این تحریم‌ها پرداخته و مطرح نموده است که بر پایه همین گفتمان می‌خواهد تحریم‌ها را خنثی و به فرصت تبدیل نماید. در این میان دولت برای تحقق این راهبرد باید با تعریف نقش برای مردم و درونی کردن آن در جامعه، نقش فعال خود را ایفا کرده و مردم نیز با حفظ همبستگی و ایفای نقش در غالب خرید کالاهای داخلی، افزایش بهره‌وری در کار، پرداخت مالیات و... به عملی نمودن این راهبرد کمک نمایند.

۳- چارچوب نظری

به رغم آنکه اقتصاد مقاومتی برای اولین بار در شهریور سال ۱۳۸۹، توسط مقام معظم رهبری (مدظله) مطرح شده است ولی با هدایت و روشنگری‌های ایشان، مفهوم و معنای مناسبی حداقل در بین صاحب‌نظران اقتصادی در این خصوص ایجاد شده است. اگر در همان اوایل مطرح شدن اقتصاد مقاومتی، اختلاف نظرهای اساسی در مفهوم شناسی آن وجود داشت و پیشینه تحقیق ارائه شده تا حدودی نشانگر این واقعیت هست ولی در حال حاضر نوعی توافق در کلیات این مفهوم به وجود آمده است. دیگر شکی نیست که اقتصاد مقاومتی، مقاومت اقتصادی، اقتصاد بسته و درونگرا و اقتصاد ریاضتی نیست. در خصوص اینکه اقتصاد مقاومتی به دنبال مقاوم‌سازی اقتصادی است نیز تردیدی وجود ندارد. هرچند تعبیر مقاوم‌سازی اقتصادی نافی اقتصاد مقاومتی نیست و به صراحت در بیانات مقام معظم رهبری نیز به آن اشاره شده است، ولی حداقل با این شبهه مواجه است که مقاوم‌سازی تمام اقتصاد مقاومتی نیست و رابطه بین آنها عموم خصوص مطلق است و در نتیجه مفهوم اقتصاد مقاومتی فراتر از صرف یک مقاوم‌سازی اقتصادی است. اگر فرض شود مقاوم‌سازی اقتصادی از مفهوم متبادر انفعالی خود خارج شده و ابعاد فعالانه نیز به خود بگیرد، دیگر تعبیر اقتصاد مقاومتی به مقاوم‌سازی اقتصادی صرفاً به معنی «هجمه‌شناسی»، «آفندشناسی»، «پدافندشناسی» و «مقاومت» نبوده و می‌تواند ابعادی چون اصلاحات اقتصادی، جذب شوک‌های خارجی، استفاده از ظرفیت و توان داخلی کشور و تعاملات بین‌المللی و سایر مولفه‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغی مقام معظم رهبری را نیز شامل شود (سیفلو ب، ۱۳۹۳). نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد، راهبردی و بلندمدت بودن اقتصاد مقاومتی^۱ است که در واقع عهده‌دار مدیریت

۱ «خب، سؤال این است که آیا مطرح کردن اقتصاد مقاومتی در شرایط کنونی، به معنای این است که ما یک حرکت مقطعی می‌خواهیم انجام بدهیم؟ چون حالا کشور دچار تحریم و دچار فشار و دچار جنگ اقتصادی است، همچنان که مثلاً هیئت‌های فکر و عمل برای مقابله‌ی با جنگ اقتصادی تشکیل می‌شود، این سیاست‌ها را برای این ابلاغ کرده‌ایم؟ جواب این است که نه، به هیچ وجه این جور نیست؛ این سیاست‌ها، سیاست‌های بلندمدت است؛ برای امروز هم مفید است، برای دورانی که هیچ تحریمی هم نداشته باشیم مفید است؛ یعنی سیاست‌های بلندمدتی است که بنای اقتصاد کشور بر

اقتصادی محور مقاومت است. مکانیسم‌های اقتصادی، فضای کسب و کار، تجارت خارجی، نهادهای مالی و واسطه‌ای و ... در اقتصاد مقاومتی مبتنی بر این پیش فرض طراحی می‌شوند که کشور در تعارض ایدئولوژیک دائمی با نظام سلطه است و هر ضربه اقتصادی از غرب ممکن است در هر لحظه به کشور وارد شود.» (تراب زاده جهرمی و دیگران، ۱۳۹۲).

بنابراین مقاوم‌سازی فعالانه اقتصاد کشور به صورت راهبردی و بلند مدت در مقابل استکبار جهانی مفهومی است که نزدیک‌ترین معنی را به بیان مقام معظم رهبری (مدظله) دارد و می‌توان از اقتصاد مقاومتی به عنوان راهبرد اقتصادی محور مقاومت یاد کرد که عهده‌دار پشتیبانی از محور مقاومت در مقابل محور استکبار را به عهده دارد.

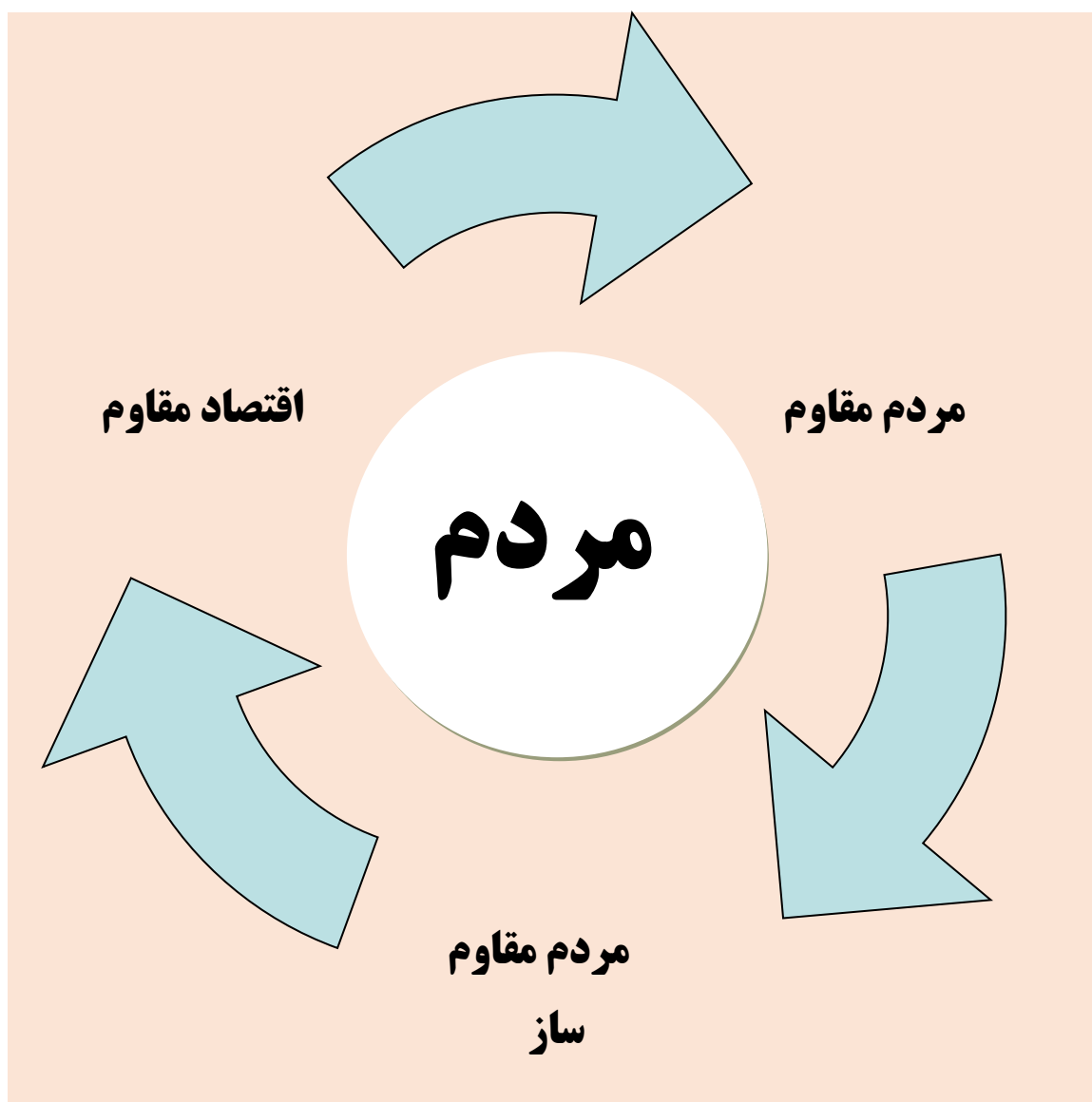
در چنین فضایی مردم نقش خطیری در اقتصاد مقاومتی ایفا می‌کند. برای مردم در اقتصاد مقاومتی می‌توان دو نقش اساسی تعریف کرد. از یک سو مردم ذی نفعان اصلی اقتصاد مقاومتی و موضوع سیاست‌های اقتصادی هستند و همواره اثر سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی و تحولات و تغییرات اقتصادی ایشان را متاثر می‌کند و بعنوان اصلی‌ترین بازیگران اقتصادی و تشکیل دهندگان جامعه اقتصادی نقش آفرینی می‌کنند و از سوی دیگر این مردم نقشی اساسی به عنوان یک زیرساخت و ظرفیت مهم در اقتصاد به عهده دارند.

۴- چارچوب مفهومی مردم محوری اقتصاد

نقش آفرینی مردم در اقتصاد مقاومتی دارای دو بعد است که در بعد اول به عنوان مصرف کنندگان و عناصر تشکیل دهنده جامعه اقتصادی، خانوارها و به عنوان موضوع سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار می‌گیرند و در بعد دوم به نقشی که مردم و مردم محوری در مقاوم‌سازی و فعال نمودن ظرفیت نهفته

اینها گذاشته می‌شود؛» (بیانات مقام معظم رهبری در حضور جمعی از مسئولان دستگاه‌های مختلف، فعالان اقتصادی، و مدیران مراکز علمی و رسانه‌ای و نظارتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

مردم در اقتصاد مقاومتی به عهده دارند پرداخته می شود. در بعد اول مردم باید مقاوم باشند و به عبارت دیگر باید با اتخاذ سیاست های مناسب مقاوم شوند و در بعد دوم مردم باید مقاوم ساز باشند.



شکل ۱: مدل مفهومی مردم محوری در اقتصاد مقاومتی

مردم در دو محور ایجاد استحکام درونی برای مردم (مردم مقاوم) و پشتیبانی مقاومتی (فعال کردن ظرفیت‌های مقاوم سازی اقتصادی) با اقتصاد مقاومتی مرتبط هستند. هرچند در شرایط کنونی با توجه به وضعیت اقتصادی جامعه و معیشت عمومی، بعد اول و ایجاد استحکام درونی در اقتصاد مردم مهم‌تر می‌نمایاند ولی حقیقت آن است که نقش مردم در فعال کردن ظرفیت‌های نهفته و حمایت و پشتیبانی از سیاست‌های مقاوم سازی اقتصادی بسیار مهم‌تر و حائز اهمیت‌تر است.

همچنین به درستی می‌توان پذیرفت که این دو بعد در هم اثر دارند و باید توجه داشت که اگر ظرفیت مردم در مقاوم سازی و حمایت از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی فعال گردد چه بسا بعد اول مقاوم نمودن اقتصاد مردم و معیشت عمومی نیز به صورت ایجابی متاثر شده و اثرات مثبتی به همراه داشته باشد.

رسیدن به اهداف تبیین شده در اقتصاد مقاومتی نیازمند مردم و فعالان اقتصادی توانمند و مقاوم است که بتوانند مقاومت و تاب‌آوری مناسبی در مقابل تکانه‌های اقتصادی داشته باشند و به راحتی با هر شوک به نحو مخربی متاثر نشوند. در حال حاضر توجه به بعد اول در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی بسیار پررنگ‌تر از بعد دوم است ولی باید توجه کرد که بدون فراهم کردن زمینه‌های ظهور و بروز بعد دوم توفیق چندانی در بهبود شرایط بعد اول و معیشت عمومی هم به احتمال قوی حاصل نخواهد شد و در صورت حصول پایدار نخواهد ماند. به این معنی که هرچند مقاوم شدن مردم و فعالان اقتصادی یک بایسته اولیه برای رسیدن به اهداف و حتی فعال کردن بعد دوم هست ولی بدون توجه کافی به نقش‌آفرینی ساختاری مردم در اقتصاد نمی‌توان انتظار دوام برای بعد اول و استمرار مقاومت به دست آمده را داشت.

آنچه از اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های کلی آن انتظار می‌رود در جهت تحقق مردم محوری دنبال شود توجه به چرخه فوق و همچنین لحاظ نمودن محوریت مردم در سیاست‌گذاری‌ها و نهایتاً حمایت و حفظ چرخه مزبور است. پر واضح است که حفظ این نظام ارائه شده در مدل مفهومی می‌تواند به صورت سیستماتیک مداومت داشته و روز به روز باعث استحکام بیشتر مردم و سیستم اقتصادی و اجتماعی جامعه

شود. با لحاظ محوریت مردم در سیاست گذاری های اقتصادی و اجتماعی و ایجاد تعادل در ابعاد ارائه شده و انجام تنظیمات لازم در صورت بروز اختلالات سیستمی در رابطه بین مردم مقاوم و مردم مقاوم ساز، به صورت روشنی تضمین کننده بقای جامعه و کشور و اقتصاد مقاوم خواهد بود. از این رو لازم است که سیاست گذاری اقتصادی با اتکا به مدل مفهومی ارائه شده به نوعی برنامه ریزی و سیاست گذاری نماید که اولاً نقش محوری مردم همواره مد نظر باشد و ثانیاً تعادل بین نیروهای موجود ایجاد و در جهت مقاوم سازی کل اقتصاد و کشور حرکت نماید.

بر این اساس نوع و نحوه مداخله و ایفای نقش سیاست گذار اقتصادی و حاکم به وضوح مشخص است. سیاست گذار باید با رعایت اصل محوریت مردم در اقتصاد، همواره تلاش نماید ابعاد مردم محوری تقویت شده و به صورت متعادلی در جهت اهداف جامعه و اقتصاد مقاوم همسو شوند. لذا باید از هرگونه مداخله که با محوریت مردم منافات دارد یا باعث تضعیف یکی از ابعاد مردم محوری می شود و یا اینکه آنها را از حالت تعادل و حرکت در مسیر هم افزایی خارج می نماید، اجتناب شود. سیاست گذار و حاکم باید تضمین نماید که دستگاه ایجاد شده در مدل مفهومی به درستی در جامعه و اقتصاد فعال است و نقش های اساسی و حیاتی خود را ایفا می نماید. در این جهت لازم است برنامه ریزی های لازم و تغییرات مقتضی در سیستم های دیگر اقتصادی و اجتماعی به وجود آید تا بتوان از نتایج مردم محوری به نحو مقتضی و شایسته ای در اقتصاد و اجتماع بهره گرفت.

ظهور و بروز نتایج مورد انتظار از مردمی شدن اقتصاد زمان بر است و حاکم کردن مردم محوری و همچنین فعال کردن ابعاد مردم محوری به طور خاص، عملیاتی شدن مردم مقاوم ساز در جامعه و اقتصاد، لازمه دقت، صبر و همچنین هوشمندی است. ممکن است چارچوب ارائه شده به صورت مستقیم با بسیاری از سیاست های در حال اجرا و همچنین ساختار های موجود در تعارض باشد و بدیهی است در این صورت تعارض منافع زیادی برای عده ای ذی نفع ایجاد خواهد نمود که لازم است با هوشمندی و برنامه ریزی مشخصی عملیاتی و اجرایی شود. عدم دقت و شتاب زدگی در پیاده سازی مردم محوری اقتصاد، ممکن است این نیروی عظیم را بر خلاف اهداف مقدس یاد شده در سیاست های اقتصادی هدایت نماید.

مدل های عملیاتی مختلفی برای پیاده سازی، مردمی سازی اقتصاد مقاومتی می توان مطرح کرد که از حوصله این مقاله خارج است ولی می توان به عنوان یک ایده اولیه به اجرای بخشی این مدل مفهومی تاکید کرد. منافاتی ندارد بخش های مختلف اقتصادی با اولویت ها و ویژگی های منحصر بفرد خود، در یک برنامه مشخص زمانی، موضع مردمی شدن قرار بگیرند. در ادامه دو بعد مردم محوری شامل مردم مقاوم و مردم مقاوم ساز مورد بررسی قرار می گیرد.

۴-۱- مردم مقاوم

فارغ از اختلاف نظرهای فلسفی در خصوص استقلال یا وحدت فرد و جامعه، به نظر فی الجمله اختلافی در این موضوع وجود ندارد که یک جامعه و اجتماع قوی، دارای افرادی قوی است. هرچقدر مردم یک کشور و جامعه قوی و مقاوم باشند، آن جامعه و کشور نیز توانمند تر و قدرتمند تر است. در حوزه اقتصادی نیز هرچقدر مردم در سطح فردی قوی و توانمندتر باشند، باعث خواهند شد اقتصاد ملی نیز به مراتب قدرتمندتر و توانمندتر باشد. مضافاً یکی از اهداف اقتصاد ملی همین توانمندسازی و تامین معاش عمومی مردم است. در منابع دینی و روایات مختلف نیز به استغنا و توانمندی مردم اشاره شده است و فقر و نداری اقتصادی را با کفر هم ردیف قرار داده اند.^۱ روایتی از امیرالمؤمنین علی «سلام الله علیه» به صورت مشهور نقل شده است^۲ که امیرالمؤمنین «سلام الله علیه» در آن روایت فرموده اند:

«أَلَا وَإِنَّ مِنَ الْبَلَاءِ الْفَاقَةَ وَ أَشَدُّ مِنْ الْفَاقَةِ مَرَضُ الْبَدَنِ وَ أَشَدُّ مِنْ مَرَضِ الْبَدَنِ مَرَضُ الْقَلْبِ»^۳

۱ کَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا (کافی جلد ۲ ص ۳۰۷)

الْفَقْرُ سَوَادُ الْوَجْهِ فِي الدَّارَيْنِ (بحار الانوار ج ۶۹ ص ۳۰)

۲ این روایت در حکمت ها و کلمات قصار نهج البلاغه آمده است، مرحوم علامه مجلسی «رحمه الله علیه» نیز در بحار الانوار آن را نقل کرده، در تحف العقول نیز در کلمات امیرالمؤمنین «سلام الله علیه» بیان شده است

۳ نهج البلاغه حکمت ۳۸۸

یعنی توجه داشته باشید که فقر، بلای بزرگی است، و بلای بزرگتر از آن، بیماری جسمی است و از آن شدیدتر، مریضی دل و روح انسان است.

فقر، بحث مفصلی دارد که در قرآن کریم و در روایات اهل بیت «ع» به آن پرداخته شده است. ما فقط به بیان روایتی دیگر از امیرمومنان علی علیه السلام اکتفا می کنیم.

امیرالمؤمنین «ع» به محمد حنفیه می فرماید: «يَا بَنِيَّ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ فَإِنَّ الْفَقْرَ مَقْصَةٌ لِلدِّينِ مَدْهَشَةٌ لِلْعَقْلِ دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ»؛ ای فرزندم! من برای تو از فقر می ترسم، پس از آن به خداوند پناه ببر که همانا فقر، دین را ناقص و عقل را سرگردان می کند و عامل دشمنی است.

بدون اینکه مردم در سطح فردی از چالش های واقعی و خودساخته اقتصادی رهایی یابند نمی توان از آنها انتظار ایفای نقشی اساسی در اقتصاد ملی و در سطح اجتماعی را داشت. به این منظور لازم است ابتدا افراد جامعه به عنوان اصلی ترین تشکیل دهندگان جامعه اقتصادی و بازیگران اصلی عرصه اقتصاد، حداقل دغدغه اقتصادی را داشته باشند و با امنیت خاطر و آرامش و آسایش در خصوص ایفای نقش های اجتماعی خود تمرکز نمایند. لذا در این بعد ضرورت دارد سیاست هایی اتخاذ گردد که امنیت خاطر و آسایش اقتصادی که زمینه ساز حضور اجتماعی و نقش آفرینی مردم در اقتصاد باشد را فراهم نماید. در این سیاست گذاری ها توجه به دو نکته اساسی است

نخست اینکه ضروریات زندگی و نیازهای اساسی، مسئله ایست که توافق کامل در مورد آن وجود ندارد، بطوریکه می تواند سطوح مختلفی از نیازها را در برگیرد. به بیان دیگر، نیاز نیز خود یک مفهوم پویا بوده و با پیشرفت علوم و تکنولوژی و تمدن بشری متحول می شود و شکل ها و اقسام گوناگونی به خود می گیرد. اورشانسکی (۱۹۶۹) معتقد است "تشخیص فقر، همانند زیبایی بستگی به نگاه بیننده دارد" (نقل قول شده در سن، ۱۹۷۹). اما براساس نظر سن در این صورت موضوع اساساً ذهنی خواهد بود و به برداشت شخصی فرد و نظر او در مورد آمار فقر بستگی خواهد داشت (مکیان و سعادت خواه، ۱۳۹۰).

هرچند نیازها و خواسته‌های مادی و غیر مادی افراد در زمان‌ها و مکان‌های مختلف متفاوت است ولی تامین برخی نیازهای اساسی همواره مورد توافق تمامی صاحب‌نظران این حوزه می‌باشد. تامین نیازهای اساسی از جمله آب و غذا، پوشاک، مسکن، تحصیل، بهداشت، فرهنگ و تفریح. مطابق تعریف سازمان ملل متحد، خط فقر میزان درآمدی است که علاوه بر تامین حداقل نیازهای اولیه و ضروری مانند غذا، پوشاک، مسکن، تحصیل، همچنین فرهنگ و تفریح را نیز می‌پوشاند (مکیان و سعادت‌خواه، ۱۳۹۰). در اقتصاد متعارف نیز مدل‌ها و نظریه‌های مختلفی در اقتصاد رفاه، در این زمینه وجود دارد ولی نکته ای که در اینجا باید به آن توجه کرد تفاوت‌های فردی افراد مختلف است که سطح متفاوتی از رفاه برای هر یک را اقتضا دارد. به نظر می‌رسد در این بعد از مردم محوری اقتصاد، بیش از امکانات و سطح اقتصادی به مفهوم مادی آن، احساس مقاوم بودن و استغنا اهمیت داشته باشد. بدیهی است که برای ادامه حیات و امکان انجام فعالیت‌های مادی حداقل‌هایی لازم است ولی اینکه یک فرد مقاوم چه کسی است نوعاً قابل تعریف نخواهد بود. لذا به عنوان دومین نکته اساسی باید توجه داشت علاوه بر امکانات اقتصادی و رفاه ناشی از آن، نوع نگاه مردم و همچنین احساسی که ایشان از آن امکانات و رفاه اقتصادی در خود دارند بسیار مهم است. در جامعه کنونی ما بسیاری از افرادی که در حال حاضر فقیر و نیازمند تلقی می‌شوند از بسیاری از افرادی که در گذشته به عنوان دارا و غنی لحاظ می‌شدند، وضعیت اقتصادی مناسب تری دارند ولی آیا در درون خود نیز چنین احساسی دارند؟

تحقیقات صورت گرفته در این زمینه نیز موید این برداشت است که رابطه اساسی بین سطح برخورداری مادی و ثروت و احساس رضایت و رفاه وجود ندارد. تحقیقات و پیمایش‌های صورت گرفته به صورت واضح، نشان می‌دهند ضمن آنکه اقتصاد و سطح برخورداری مادی و داشتن ثروت، تا حدودی می‌تواند میزان رفاه، شادی و احساس امنیت را افزایش دهد ولی لزوماً نمی‌تواند آن را فراهم نماید. برای نمونه کنی (۱۹۹۹)، در مطالعه ای با عنوان «آیا شادی باعث رشد اقتصادی است یا رشد اقتصادی باعث شادی؟»، اثرات متقابل رشد اقتصادی بر شادی و شادی بر رشد اقتصادی را بررسی کرده است. این

مقاله به پرسش «کدام باعث دیگری است؟» پاسخ می دهد و معتقد است که هر دو می توانند بر یکدیگر اثر داشته باشند. براساس این مطالعه، سطح رفاه اقتصادی واقعی، شرط لازم برای شادی است؛ اما شواهد زیادی وجود دارد که وقتی استانداردهای زندگی واقعی حاصل می شود، رابطه بین رشد و شادی از بین می رود. وینهون (۱۹۸۹) در مطالعه ای با عنوان «ثروت ملی و شادی فردی»، به بررسی رابطه بین ثروت ملی و رضایت از زندگی فردی پرداخته است. نتایج پژوهش او نشان داده که در جوامع اروپایی بعد از جنگ به دلیل بهبود وضعیت اقتصادی، رضایت از زندگی و خوشحالی نیز در این کشورها افزایش یافته است. در واقع او برخلاف کسانی که رضایت از زندگی و شادی را مستقل از شرایط اقتصادی دانسته اند، یک رابطه مستقیم بین رضایت از زندگی و سطح اقتصادی را به اثبات رسانید. طبق نتایج وی در کشورهای ثروتمند مردم خوشحالتتر از کشورهای فقیر خواهند بود. فری و استورز (۲۰۰۰)، در مقاله ای با عنوان «شادی، اقتصاد و نهادها»، با استفاده از تجزیه و تحلیل های اقتصادسنجی نشان دادند که عوامل نهادی در فرم دموکراسی و ساختار فدرالی میزان رفاه افراد را افزایش می دهد که این تأثیر مثبت می تواند ناشی از مشارکت سیاسی آنها در کشور باشد. همچنین نتایج نشان داده است که بیکاری به شدت بر میزان شادی و رضایت از زندگی اثر منفی خواهد داشت؛ درحالی که سطح درآمد و شادی تا حدی با یکدیگر رابطه مستقیم دارند. همچنین آنها در زمینه اثرگذاری مذهب بر رضایت از زندگی و رفاه ذهنی نشان دادند که مذهب اثر مثبتی بر رضایت از زندگی و شاد زیستن دارد.

بررسی تحقیقات صورت گرفته نشان می دهد که وجود سطح مشخصی از امکانات مادی و رفاه برای احساس رضایت و رفاه و به عبارت دیگر امنیت اقتصادی لازم است ولی لزوماً با وجود آن سطح از امکانات مادی و ثروت انباشته اقتصادی رضایت مد نظر و احساس امنیت شکل نخواهد گرفت. لذا باید در نظر داشت که انسان مقاوم اقتصادی کسی است که با توجه به امکانات مادی و معنوی که در اختیار دارد

1 Veenhoven

2 Frey & Stutzer

امنیت و آرامش اقتصادی لازم در سطح فردی را به صورت مطلوبی احساس می‌کند و آماده ایفای نقش‌های اجتماعی در این خصوص است و این مهم علاوه بر فراهم کردن امکانات مادی و انباشت ثروت نیازمند تغییر در نگرش‌ها و فرهنگ است. از رو در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ناظر به این بعد از مردم محوری باید توجهی اساسی به تغییر نگرش و تامین حداقل‌های رفاهی داشت و هر سیاست‌گذاری که یکی از این دو جنبه را مغفول دارد، توفیق کاملی در مقاوم سازی نخواهد داشت.

کوتاه سخن در این زمینه آنکه تنوع افراد با خاستگاه‌های متفاوت فکری، عقیدتی و همچنین ویژگی‌های منحصر بفرد قومی، فرهنگی و نژادی و سایر مشخصه‌های خصوصی، برنامه ریزی برای رسیدن به مردم مقاوم را با چالشی اساسی رو به رو کرده است و لازم است با دقت نظر خاصی در خصوص تعریف انسان مقاوم نوعی، مسیر رساندن مردم جامعه به آن هموار گردد. بدیهی است همیشه فاصله از ایده‌آل به صورت خاص وجود خواهد داشت. لذا در خصوص انسان مقاوم در اقتصاد مقاومتی که لازمه و بایسته اولیه مردم محوری اقتصاد است باید هم تاکید بر تامین حداقل‌های امکانات و رفاه اقتصادی لازم باشد و هم برنامه‌ریزی لازم در جهت تقویت باورهای مردم در جهت نیل آحاد جامعه به سمت انسان مقاوم اقتصادی ایده‌آل. مضافاً هر منطقه و هر گروهی باید با توجه به شرایط و اقتضائات خاص خود مورد نظر قرار بگیرند تا سیاست‌گذاری در خصوص آنها بهترین نتیجه را فراهم نماید. برای نمونه شاید آب رسانی و ایجاد امکانات مادی اثر بسیار خوبی در یک منطقه محروم بر احساس امنیت و آسایش اقتصادی ایجاد نماید ولی در بین طبقه‌ای مرفه‌تر در مناطق برخوردار شهری اتخاذ سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی می‌تواند آن نتیجه را بدست دهد.

۲-۴- مردم مقاوم ساز

بی تردید مردم مقاوم اصلی‌ترین بایسته مردمی شدن اقتصاد است. بدون آنکه مردم امنیت و آرامش اقتصادی مطلوبی در سطح فردی احساس کنند نمی‌توان از آنها کنش فعال و نقش‌آفرینی در اقتصاد ملی انتظار داشت. این بدان معنی نیست که بدون داشتن امکانات مادی و رفاه اقتصادی نمی‌توان به اهداف

والای اقتصاد مقاومتی و یا اقتصاد اسلامی و مردم محوری دست یافت. همانطور که پیش تر اشاره شد، مردم مقاوم فراتر از مردم دارا و متول هست و نباید بین دارندگی و مقاوم بودن تفاوت قائل شد. مردم مقاوم ممکن است با هر سطح از امکانات مادی هم حاصل شود. چه بسا با اتکا به ایمان و فرهنگ قناعت، مردم مقاومی بتوان ایجاد کرد که حماسه های بزرگی مانند شکستن محاصره اقتصادی در شیب ابی طالب در زمان صدر اسلام و یا مدیریت جنگ تحمیلی در زمان معاصر را رقم زده اند. ولی به صورت عمومی ترکیبی از امکانات مادی و آمادگی های معنوی و درونی برای رسیدن به مردم مقاوم لازم است.

بر اساس سیاست های اقتصاد مقاومتی و مفهومی که در چارچوب نظری توسعه دادیم، نمی توان صرف مقاوم شدن مردم را تعبیر به مردمی شدن اقتصاد دانست. تامین رفاه، آسایش و امنیت اقتصادی لازمه شروع به کار مردم است ولی هرگز به معنی کمال آن نیست. اصلی ترین نقش مردم در اقتصاد در بعد دوم مردم محوری نهفته است. مردمی که مقاوم هستند باید فعالانه به مقاوم سازی اقتصادی اقدام نمایند تا آنچه مقصود از اقتصاد مردمی است به کمال خود برسد. پیشتر به یک بایسته اصلی برای رسیدن به این مهم یعنی مردم مقاوم اشاره نمودیم در این قسمت مفهوم مردم مقاوم ساز مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مردم مقاوم ساز در واقع بعد نقش آفرینی مردم مقاوم در اقتصاد ملی است که نهایتا به مردمی شدن اقتصاد خواهد انجامید. برای تحقق مردم مقاوم در عرصه اقتصاد مقاومتی باید نقش آفرینی مردم در اقتصاد ملی مورد توجه قرار گیرد. بدیهی است همانگونه که اشاره پیشتر نیز اشاره شد دو بعد مردم محوری به صورت متقابل تقویت کننده یکدیگر هستند. زمانیکه با اتخاذ سیاست های مناسب اقتصادی و فرهنگی مردم مقاوم می شوند عده کثیری از آحاد جامعه که به نوعی مستضعف شده بودند از بند استضعاف مادی و فرهنگی آزاد شده و به صورت فعالانه نقش ایفا می کنند و باعث شکوفایی اقتصادی ملی می شوند. به همین نحو زمانیکه مردم در اقتصاد حضوری فعال دارند علاوه بر اثر هم افزایی و تقویت اقتصاد ملی، به لحاظ اعتقادی نیز حاصل این تعاون و استقامت در مسیر حق به صورت امداد الهی ظاهر می شود و در مجموع نتایج مطلوب به سمت آحاد جامعه سرازیر می شود.

در خصوص بعد دوم مردم محوری، دو مبحث مهم وجود دارد. نخستین مبحث در حوزه خواست‌ها و شکل‌گیری اراده مردمی است و دومین مبحث در حوزه اجرا و به‌ظهور رساندن اراده‌های مردم. بسیار مهم است که به این دو مبحث توجه شود تا تحقق بعد دوم مردم محوری، با چالش اساسی مواجه نگردد. در ادامه این دو مبحث شرح داده شده است.

۴-۲-۱- خواست‌ها و شکل‌گیری اراده‌های مردمی

نخستین گام برای اینکه مردم مقاوم در اقتصاد ملی نقش آفرینی نمایند، شکل‌گیری اراده‌های مردمی است. مردم مقاوم باید بخواهند که نقشی در اقتصاد مقاومتی ایفا نمایند و این خواست به صورت یک اراده جمعی ظهور نماید. اینکه یک موضوع یا مساله در اقتصاد ملی تا چه حدی قوت بسیج خواست‌ها و اراده‌های مردمی را خواهد داشت از مسائل اساسی در مردمی شدن اقتصاد است. نخستین شرط برای اینکه مردم مقاوم پا به عرصه اقتصاد بگذارند آن است که بخواهند و اراده جمعی ایشان نسبت به موضوع شکل بگیرد.

ژودیت لازار طیف گسترده‌ای از تعابیر و مفاهیم را برای افکار عمومی برمی‌شمارد. وی افکار عمومی را "نیروی نامرئی و منبع مهم اقدامات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی"، "آشکارترین و گسترده‌ترین پدیده روانی جمعی"، "صدای ملت"، "نیروی ناشناخته"، "نیروی سیاسی کمتر شناخته شده" و "قضاوت مورد قبول عامه که جنبه عاطفی آن بر جنبه ادراکی آن غلبه دارد" توصیف می‌کند (لازار، ۱۳۸۳). بر این اساس، افکار عمومی پدیده‌ای روانی-اجتماعی و خصیصه جمعی است که عبارتست از ارزیابی و نظر مشترک گروهی اجتماعی در مسئله‌ای که همگان به آن توجه و علاقه دارند و در لحظه‌ای معین، بین عده زیادی از افراد مختلف جامعه نسبتاً عمومیت می‌یابد و عامه آن را می‌پذیرند.

در تحلیل‌های احساسی از افکار عمومی، این پدیده عکس‌العمل بخش عمده‌ای از جامعه در برابر رخدادهایی شناخته می‌شود که بیشتر ناشی از احساسات تا استدلال. در این چارچوب افکار عمومی شکلی از رفتار جمعی است که مقطعی بوده، با طرح یک مسئله شکل می‌گیرد و با حذف آن از بین

می رود. بنابراین، می توان آن را مقوله ای دانست که در یک شرایط روانی و فضای اجتماعی خاصی منسجم می گردد که با از بین رفتن آن شرایط، افکار عمومی منسجم نیز از بین خواهد رفت (جمالی، ۱۳۸۸).

پرایس، معتقد است منظور از "عموم" در افکار عمومی می تواند، "عامه مردم"، "عموم رای دهنده"، "عامه مردم با دقت و نکته سنج"، "عموم فعال و نخبگان" و عموم موضوعی [توجه بعضی از مردم به موضوعات خاص] باشد (پرایس، ۱۳۸۲). در مجموع می توان دو تعبیر کلی از "عموم" در افکار عمومی به دست داد؛ تعبیر نخست با ماهیت کمی خود بر مجموعه ای از نظرات و افکار متنوع افراد دلالت دارد و تعبیر دوم که دارای ماهیت کیفی است بر یک جا بودن و مجموعه دیدگاه های یکسان و مشابه تأکید می کند.

هر یک از تعاریف مزبور اعم از "حالات روحی-روانی" یا "وضعیت ذهنی-رفتاری" را در تفهیم افکار عمومی می توان پذیرفت، اما به باور این پژوهش باید در رویکردی جدید به مقوله افکار عمومی، بر فرآیند محور بودن آن که زایش و پویایی خاص به آن بخشیده است تأکید کرد. در واقع افکار و عقاید عموم ابداع نمی شوند بلکه کشف و روزآمد می شوند.

بر این اساس سه خصیصه افکار عمومی، آشکار بودن، آگاهانه و هوشیارانه بودن و از وسعت کافی برخوردار بودن است و عوامل شکل گیری ساختار افکار عمومی نیز در سه مقوله کانال های ارتباطی، موضوعات و عموم مردم علاقه مند به موضوع تقسیم بندی می شود (جمالی، ۱۳۸۸).

چون افکار عمومی بر مبنای نگرش ها شکل می گیرد و نگرش های فرد پایه و زمینه و لایه زیرین افکار عمومی محسوب می شوند (رفیعی، ۱۳۸۲)، افکار عمومی نفوذپذیر و دارای قابلیت کنترل و نفوذ است. در واقع این ضمیر باطنی ملت قابل تهییج و تحرک است.

لذا برنامه ریزی های لازم در این جهت بسیار حائز اهمیت است. تاکنون مردم خواست ها و علاقه های خود را به صورت تاریخی ظهور و بروز داده اند که می تواند در این عرصه مورد استفاده و بهره برداری قرار گیرد.

«صاحبان قدرت و نفوذ، کانال های ارتباطی را کنترل و تنظیم می کنند، برخی موضوعات را تأکید و موضوعات دیگری را نادیده می گیرند و به بهترین نحو، عموم را بسیج می کنند تا از خط مشی آنها

طرفداری کنند». بر اساس رویکردهای حاکمان سیاسی در کنترل افکار عمومی، شاید آنها نتوانند مردم را وادار کنند که چگونه باید فکر کنند اما می‌توانند به آنها بگویند که به چه چیزی فکر کنند. هراس رهبران سیاسی از قدرت جریان‌سازی و صعود و افول مشروعیت نظام سیاسی توسط افکار عمومی موجب شده است روند کلی مواجهه با افکار عمومی در جهان مدرن کنونی که شکاف دولت-ملت‌ها افزایش یافته است، به صورت کنترل، دستکاری و کانالیزه کردن آن متبلور شود. به موازات این جریان غالب، نمونه‌های مدیریت افکار عمومی توسط برخی رهبران سیاسی را می‌توان یافت که با نگاهی مثبت و سازنده به افکار عمومی، در پی تعامل و تدبیرسازی آن بوده‌اند. در چنین تفکری افکار عمومی ماهیت فرآیندی و پویا داشته است که رهبر سیاسی از طریق پیوند، تعامل، اصلاح و تداوم آن به اقتضای زمان و موضوعات، آن را مدیریت کرده است (جمالی، ۱۳۸۸).

به سبب ایفای نقش افکار عمومی در تصمیم‌سازی رهبران کشور، این عنصر به صورت غیر بارز نقشی را در صحنه عمومی جامعه بازی می‌کند که هیچ قانون، سنت یا هنجاری قادر به انجام آن نیست. در یک جامعه اسلامی، افکار و اراده عمومی برخاسته از اعماق ایمان مذهبی مردم است که قادر به تعیین سرنوشت است. یکبار بسیج این افکار رو اراده عمومی توسط امام خمینی (ره)، منجر به انقلاب شکوهمند اسلامی در عرصه سیاسی شد و به راحتی این ظرفیت وجود دارد که امروز در عرصه اقتصادی نیز بسیج گردد.

اقبال مردم و جلب توجه ایشان به یک موضوع اقتصادی از جنبه خرد جمعی و انتخاب عمومی نیز حائز اهمیت است و ارکان جمهوریت اقتصادی را به شدت محکم می‌کند و سرمایه اجتماعی بسیار قدرتمندی در حمایت از برنامه‌های اقتصادی فراهم می‌کند. زمانیکه برنامه یا طرحی در جامعه عرضه می‌شود و مورد اقبال عمومی مردم قرار می‌گیرد یعنی خرد جمعی مردم، آن را ارزیابی نموده و آن را مناسب با انگیزه‌ها و خواست‌های عمومی تشخیص داده است. این جلب انگیزه در مراحل بعدی حمایت‌های اساسی از طرح و برنامه مذکور فراهم خواهد نمود.

در این خصوص لازم است توجه شود که برنامه‌ریزی‌های اقتصادی باید به گونه‌ای باشد که قدرت کافی در جلب انگیزه‌های مردمی در طرح‌های پیشنهادی و ایجاد یک اراده جمعی لحاظ شده باشد و همچنین از

اقداماتی که این خواست‌ها و انگیزه‌ها را به تحلیل می‌برد پرهیز شود. از آنجا که این مرحله مرحله تکوین اراده مردم است دقت بسیاری می‌طلبد که انگیزه و بسیج عمومی اراده به صورت قوی و پر قدرت ایجاد شود تا در مراحل بعدی از حمایت‌های به نحو شایسته استفاده گردد.

شایسته توجه است که منظور از اراده عمومی، اراده مردم مقاومتی است که با انگیزه‌های عمومی و از خاستگاه مردمی ابراز اراده می‌نمایند. اراده‌های ساختگی و نمایشی طبیعتاً در این میان موضوع بحث نیست و چه بسا سودجویانی با ساختن اراده‌های واهی قصد منحرف کردن این قدرت عظیم را داشته باشند که توجه به این مهم نیز حائز اهمیت است. مشابه آنچه امام راحل در به ثمر رساندن انقلاب اسلامی انجام دادند. امام خمینی (ره) مبتنی بر "خیر مشترک" عمومی و تحت لوای رهبری واحد "اراده عمومی" را مورد حمایت قرار دادند که در این میان ارتباط شخصی و عاطفی امام با این اراده عمومی جذبه سیاسی او را افزایش داده بود. دخالت توده مردم در سیاست و قدرت دیگر مفهومی فرمایشی، آرایشی و فرعی نبود بلکه به نوعی منبع قدرت تبدیل شده بود. ماهیت این پشتوانه قدرت‌ساز، اخلاقی-ارزشی بود. در این وضعیت اتکا به افکار عمومی نتیجه تبدیل شدن عموم عام^۱ به "عموم فعال، آگاه و مسئولیت پذیر" بوده است. بر این اساس تداوم حس مسئولیت در بین آحاد مردم جامعه موجب تداوم حضور آنها در صحنه بود و مردم چون تن واحد و آهنگ و نفسی یکسان به تحولات سیاسی واکنش نشان می‌دادند. روح جمعی و اراده عمومی توصیف این شرایط است. امام خمینی (ره) با تقویت احساس مسئولیت سیاسی به لحاظ سیاسی موجب تحکیم اراده جمعی شده و افکار عمومی کاملاً سیاسی را به صحنه وارد کرد. در این فضا منطق مشارکت سیاسی افکار عمومی از منظر امام خمینی (ره)، متفاوت با آن چیزی است که در نظام معنایی قدرت و سیاست غیردینی نهادینه شده است. به گونه‌ای که در نظام دینی توده سیاسی به موجب کرامت و منزلت انسانی‌شان، صاحب حق مشارکت سیاسی شده‌اند و این حقوق ذاتی و اصیل هستند. اما در منطق مشارکت دمکراتیک غیردینی، نمی‌توان به سبب دگماتیسم دمکراتیک، پای همگان را در اداره امری مهم چون قدرت و سیاست باز کرد و در واقع نخبگان صاحب سیاست و کیاست به این مهم خواهند

پرداخت (جمالی، ۱۳۸۸). ارزش دادن به اراده واقعی، عموم واقعی، مبتنی بر کرامت انسانی و ارزش‌های دینی و اسلامی باعث می‌شود که فرصت ساختن اراده‌های واهی و غیر واقعی از جریان‌های غیر اصیل مردمی و انقلابی گرفته شود و نتوانند اراده عمومی را در جهتی غیر از خواست عمومی به کار گیرند. بسیاری اوقات افکار عمومی یک کشور از پیشینه ذهنی در خصوص رخدادی خاص برخوردار نیست که به ناچار باید به آن شکل داد. تجربه سیاسی کشورهای مختلف نشان داده است که می‌توان از طریق آگاهی دادن و هوشیار ساختن عقیده عمومی از توسعه و تعمیق انحرافات سیاسی- اجتماعی و فرهنگی جلوگیری کرد. براین اساس در مواقع ضروری باید مصلحت عمومی را برای افکار عمومی روشن ساخت تا امکان هر گونه سوء استفاده از باور عمومی یا انحراف آنها را به حداقل ممکن رساند.

افول تدریجی برخی از جریان‌های سیاسی در دوران حیات امام (ره) را می‌توان ناشی از ویژگی تدریج و تطویل (طولانی کردن) بحران‌ها و رخدادها توسط امام دانست. رهبری انقلاب ضمن شفاف‌سازی معیارها و مؤلفه‌های ماهیت رفتار سیاسی مبتنی بر نظام ارزشی- سیاسی جامعه از یک سو مرزبندی خط اصیل انقلاب با افکار و عقاید انحرافی را ترسیم می‌نمود و از سوی دیگر چنانچه این جریان‌ها می‌توانست با استفاده از تاکتیک ابهام و اختفاء، بخشی از افکار عمومی را جلب کند، در مدتی کوتاه با آگاهی از اینکه در جامعه جایی ندارند و انحراف آنها آشکار شده است، به رفتارهای خشونت‌بار روی می‌آوردند. "خودکشی سیاسی" بسیاری از جریان‌ها و گروه‌های منحرف در سال‌های اولیه انقلاب نتیجه تطویل و شفاف‌سازی رخدادها بود.

بارزترین مصداق رویکرد تطویل امام (ره) در مقابله با جریان‌های انحرافی را که در نهایت موجب شفافیت بخشی تحولات شد، در غائله اختلاف‌افکنی لیبرال‌ها و رویارویی با نظام می‌توان مشاهده کرد. سخنان امام (ره) گویای این وضعیت است:

اگر اینها [بنی‌صدر و حامیان لیبرال وی] از روی عقل عمل کرده بودند حالا هم همانجا بودند [در مناصب سیاسی] و می‌توانستند که به تدریج کم‌کم بکشانند این جمهوری اسلامی را به مسائل غربی... لکن خدا خواست اینکه اینها نتوانند خودداری کنند و سیاست را نمی‌فهمیدند. نمی‌فهمیدند که چه جور باید رفتار

کرد، ملت را نشناخته بودند... این بود که دست پاچه شدند و زود خودشان را لو دادند... و خودشان، خودشان را از بین بردند (صحیفه نور ۱۳۶۴، ج ۱۵).

۴-۲-۲- اجرا و ظهور اراده‌های مردم

بعد از آنکه انگیزه لازم در مردم برای مشارکت در یک طرح و برنامه اقتصادی ایجاد شد یا اگر به صورت ایده‌آل‌تری یک طرح و برنامه از متن مردم به صورت خود جوش، جوشیده و به یک مطالبه عمومی تبدیل شد، باید فرصت اجرای آن و ظهور اراده‌های مردم در اقتصاد ملی فراهم باشد. البته نباید فراموش کرد که تاثیرگذاری و امکان ظهور و بروز هم بی حد و بدون محدودیت نمی‌تواند باشد. همانگونه که غلبه نیات و مقاصد حاکم سیاسی موجب دستکاری و کنترل افکار عمومی خواهد شد، محوریت یافتن افکار عمومی موجب عوام‌زدگی و "پوپولیسم سیاسی" می‌شود. اما تعامل و پیوند عاطفی، منطقی و عقلانی رهبر و مردم موجب مدیریت‌پذیری افکار عمومی و تدبیرسازی رهبر سیاسی می‌شود.

یکی از انحرافات که همواره این نوع تعامل را تهدید می‌کند، نقص یا تضعیف کانال‌های ارتباطی رهبر و افکار عمومی است. چنانچه این تحریف رخ دهد منجر به عدم درک متقابل و سوء برداشت و در نتیجه بروز بی‌اعتمادی دو سویه خواهد شد. امام خمینی (ره) در جریان بحران‌های دهه نخست انقلاب به منظور پیشگیری از این آسیب، بر کانال‌های ارتباطی چندگانه اتکا می‌نمودند. ایشان جهت ممانعت از کانالیزه شدن احتمالی اطلاعات مربوط به واکنش‌های عمومی- اجتماعی در رخدادها، سعی می‌نمودند از منابع متعدد به کسب اطلاعات بپردازند. در جریان تسخیر لانه جاسوسی که تداوم یا خاتمه آن به طور قطع منوط به مواضع امام و افکار عمومی بود، امام (ره) پس از کسب اطلاعات و جزئیات دقیق از ماهیت عاملان، اهداف و نیات آنها و نوع واکنش توده‌های انقلابی، در ۱۴ آبان یک روز پس از تسخیر لانه جاسوسی، اقدام دانشجویان را تأیید کردند.

باید توجه داشت که هر چقدر هم که خاستگاه اراده و خواست مردمی قوی باشد با وجود موانع در اجرای و ظهور آن اراده توفیق زیادی به دست نخواهد آمد و چه بسا به چالش‌های جدید اجتماعی و اقتصادی هم

منجر شود. اگر یک طرح و برنامه به شدت مورد حمایت مردم باشد ولی امکانات اجرایی آن به نحو مطلوبی فراهم نشود این خواست و انگیزه پر قدرت و اراده مقدس مردم به جای آنکه در جهت پیشبرد اهداف طرح مزبور قرار گیرد باید در جهت مقابله و رفع موانع موجود مورد استفاده قرار گیرد و چه بسا به اهداف والای خود هم نرسد. لذا عرصه میدانی اقتصاد در اقتصاد مقاومتی باید بیش از پیش آماده اجرای اراده‌های مردمی باشد تا فرآیند مردمی شدن اقتصاد به نحو مطلوبی تکمیل شود. ممکن است طرح‌های بسیار مناسبی هم مورد حمایت قرار بگیرد ولی به خاطر وجود موانع مختلف قانونی، ساختاری و یا حتی ذینفعان قوی، اراده مردم عقیم شود.

عمدتاً آن دسته از کشورهایی که دارای مشروعیت مردمی بالایی هستند، افکار عمومی را همواره به صورت حداکثری در تحولات سیاسی تجربه می‌کنند. در حوزه سیاسی، افکار عمومی تنها عقیده عمومی در مورد یک موضوع یا پدیده نیست بلکه سیاسی شدن آن موجب برقراری ارتباط با سایر عناصر سیاسی جامعه از جمله رهبران و هیئت حاکمه سیاسی می‌شود. بنابراین می‌توان انتظار داشت که روح جمعی و اراده عمومی جامعه در قضاوت خود آگاهانه و متعهدانه اقدام نماید و مسئولیت فردی و گروهی را بارور کند. از این رو ارزش افکار عمومی یک جامعه، ارزش تمامی آن جامعه است.

حضرت امام (ره) که نظام سیاسی تحت زعامت خود را برآیند اراده عمومی ملت می‌دانستند، همواره تلاش کردند که با محوریت و مرکزیت دادن به رخدادها و وقایع سرنوشت‌ساز، مسئولیت آن را متوجه تک‌تک افراد جامعه نمایند و حضور فراگیر مردمی را رقم بزنند. امام (ره) از طریق عمومیت بخشیدن به پدیده‌های مرتبط با افکار عمومی و اعلام اینکه مثلاً جنگ یک مسئله "عمومی و ملی" یا شرعی و ملی" است، به خوبی توانستند از اجزاء و نیروهای سازنده افکار عمومی، عناصری کنش‌گر و مسئول بسازند. در چنین شرایطی وقتی کشور مورد هجوم قرار می‌گیرد تک‌تک افراد ملت به میدان جنگ می‌روند و جنگ به یک نظام ارزشی تبدیل می‌شود. در این حال همگان از قواعد آن پیروی می‌کنند و ارزش‌های اساسی در جامعه، زمینه شرکت افراد در افکار عمومی می‌شود. اینگونه اراده فردی به "اراده جمعی" مبتنی بر ارزش‌ها تبدیل می‌شود.

بدیهی است در این تعامل ممکن است تعارض‌های زیادی بین ساختارهای حاکم و اراده عمومی ایجاد شود. در بسیاری از موارد ساختارهای موجود و سنتی تحمل حضور مردم را ندارند و به نوعی آن را تهدید برای خود می‌دانند. حتی اگر آن را تهدیدی برای خود ندانند نوعی مزاحم تلقی می‌نمایند. برای نمونه در اغلب مواردی که حادثه غیر مترقبه یا حوادث فاجعه آمیز طبیعی رخ می‌دهد این مشکل و چالش پیش می‌آید. اراده عمومی در جهت امداد تجهیز می‌شود ولی ساختارهای موجود به نوعی تقابل و عدم همسویی دچار می‌شوند به گونه‌ای که دور نگه داشتن مردم از معرکه خود مساله ای مهم تر از انجام وظایف ذاتی جلوه می‌کند. این در حالیست که همین توده ابزار کمک بزرگی در اختیار جامعه هستند و حتی نهاد های حاکم بعد از اندکی آرامش خود به آن پی می‌برند. در حرکت‌های جهادی و کمک‌های مومنانه هم این مساله تا حدودی بروز داشت. هر چقدر اصطکاک بین اراده عمومی و نهادها و ساختارهای موجود کاهش یابد و آمادگی از پیش برای حضور مردم تمرین شده باشد توفیق بهره‌گیری از اراده عمومی و ظرفیت نامحدود مردمی بیشتر خواهد بود. بسیار محتمل است مواردی که اراده عمومی با یکی از ساختارها یا نهادهای حاکم تعارض هم بنماید و به جای آنکه باعث خیر و برکت باشد منجر به چالشی جدید و خرابی بیشتر هم باشد. مواردی در گذشته مانند آنچه مطالبات به حق مردم بود ولی به دلیل عدم تمرین و برخورد و تعامل مناسب به درگیری و خسارت منجر شده است. اراده ای که می‌توانست به اصلاح بسیاری از مسائل منجر شود، نه تنها اصلاحی انجام نداد بلکه منجر به خسارت هم شد. فراهم کردن امکانات اجرای و ظهور اراده مردم در اقتصاد ملی باید به صورت گسترده‌ای در تمام برنامه‌ریزی‌ها و هدف گذاری‌ها اقتصادی مورد توجه قرار گیرد و حداکثر مساعی در جهت رفع موانع موجود در این زمینه برداشته شود. باید به گونه‌ای برنامه ریزی شود که حداقل اصطکاک بین اراده عمومی و نهادهای حاکم وجود داشته باشد و پروتکل‌هایی اندیشه شود که در صورت ایجاد تعارض به سرعت و با اولویت تعارض از بین بروند و در مسیر درست قرار گیرند.

ممکن است یک برنامه مثلا تامین مالی و تهیه واکسن برای مبارزه با ویروس کرونا از سوی اراده عمومی مطرح و مورد حمایت قرار گیرد و با انگیزه ای قوی و پایگاه جدی مردمی دنبال شود ولی به لحاظ

ملاحظات در ساختارهای حاکمیتی، تعارض بین این دو حاصل شود. بدیهی است به چالش کشاندن این موضوع تنها هدر دادن اراده ای مقدس است و باید قبل از ایجاد چالش برای آن چاره شود. اساسا چارچوب کلی سیاست گذاری باید به گونه ای باشد که اراده عمومی آزادی عمل بیشتری داشته باشد و جز در موارد استثنایی محدود نشود و الا کم کم به حاشیه رفته و مثل وضعیت حاضر کار را به دست ساختارهای رسمی خواهد سپرد.

۵- جمع بندی و نتیجه گیری

بی تردید مردم در اقتصاد مقاومتی جایگاه ویژه ای دارند و اساسا نمی توان اقتصاد مقاومتی را بدون مردم و نقش آفرینی آنان متصور بود. در اقتصاد مقاومتی مردم از یک سو موضوع سیاست های اقتصادی مربوطه هستند و اثر اقدامات اقتصادی به صورت خاص به ایشان می رسد و از سوی دیگر باید به صورت فعالانه در اقتصاد مقاومتی نقش آفرینی نموده و زمینه های بروز اهداف آن و بهره مندی از برکات آن را فراهم نمایند. لذا دو نقش مردم مقاوم و مردم مقاوم ساز در اقتصاد مقاومتی برای مردم وجود دارد. در بعد اول که تقویت مردم در سطح فردی توجه دارد سیاست های اقتصاد مقاومتی نیز به صورت خاص توجه ویژه ای داشته است. مردم تا خود به سطح قابل قبولی از امنیت و آسایش اقتصادی نرسیده اند، بدیهی است که نتوانند نقش آفرینی مناسبی در سطح کلان و اقتصاد ملی داشته باشند. لذا بعد مقاوم و توانمند ساختن خود مردم شرط لازم تحقق سیاست های اقتصاد مقاومتی و ایجاد زمینه لازم برای مردمی شدن اقتصاد است. اگرچه مردم مقاوم شرط لازم برای تحقق اقتصاد مقاومتی و مردمی شدن اقتصاد هستند ولی هرگز شرط کافی نبوده و به صرف این مقاوم سازی و توانمند سازی، نه مردم محوری اقتصاد و نه سیاست های اقتصاد مقاومتی موضوع بحث حاصل نخواهد شد. این مردم مقاوم در مرحله بعد باید به نقش آفرینی اقتصادی در اقتصاد ملی و به حرکت در آوردن اقتصاد کشور اقدام نمایند. این بعد که اهمیت آن چند برابر بعد اول است به مردم مقاوم ساز تعبیر شده است.

برای اینکه مردم مقاوم بتوانند نقش خود در اقتصاد مقاومتی را ایفا نمایند و به صورت کامل مردم محوری را محقق نمایند دو مبحث مهم وجود دارد که باید به نحو مطلوبی میسر گردد. نخست باید انگیزه‌ها و خواست‌های مردم و تشکیل اراده جمعی به صورت مطلوبی ایجاد شود یعنی مردم مقاوم بخواهند نقش مشخصی را در اقتصاد ملی یا طرح خاص ایفا نمایند و دوم اینکه این خواست و اراده که ممکن است به صورت خودجوش هم شکل گرفته باشد ظرف اجرای مناسبی در جامعه داشته باشد. اگر اراده جمعی شکل گرفت و حمایت انگیزشی در بین مردم به وجود آمد ولی امکان اجرای آن در جامعه و عرصه میدانی اقتصاد وجود نداشت حداکثر این است که انگیزه‌ها و انرژی مردم در جهت مقابله با موانع به تحلیل رود که در هر حالتی اقتصاد ملی از برکات این حضور و نقش آفرینی، بی بهره خواهد ماند. لذا لازم است عرصه میدانی اقتصاد نیز امکانات اجرایی و ظهور اراده‌های مردم را فراهم نماید. شکل زیر به صورت یک مدل مفهومی مردم محوری در اقتصاد مقاومتی را به تصویر کشیده است.

مردم مقاوم با انگیزش نسبت به طرح‌ها و برنامه‌های اقتصادی و بروز اراده خود در حمایت از آنها، در جهت اهداف اقتصاد مقاومتی حرکت می نمایند. با توجه به قدرت لایزال مردمی زمانیکه این قدرت توسط طرح‌ها و برنامه‌های مناسب در جهت اهداف اقتصادی بسیج شود، بدیهی است که توفیقات بسیاری حاصل خواهد شد.

در نهایت توجه به چند نکته برای مردمی سازی اقتصاد و اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی لازم و ضروری است.

۱- بر اساس سیاست‌های اقتصاد مقاومتی علاوه بر اینکه یک برنامه اقتصادی لازم است که اجرا شود و ضمن آن مردم از نظر اقتصادی به سطح مطلوبی از مقاومت برسند، مردمی شدن اقتصاد یک زیر ساخت است که باید ایجاد شود و از این زیر ساخت و برکات آن در جهت اهداف اقتصاد مقاومتی بهره گرفته شود.

۲- لازم است برنامه‌ریزی‌ها و سیاست گذاری‌های اقتصادی، کاملاً با مدنظر قرار دادن مردم محوری اقتصاد صورت گیرد. در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی باید یک معیار اساسی همین مردمی شدن اقتصاد باشد

که بر اساس دو بعد مقاوم شدن و مقاوم ساز شدن مردم سنجیده شوند. لذا برنامه‌های مغایر با انگیزه‌های مردمی و در جهت تضعیف ظرفیت‌های اجرایی اراده عمومی به نحو شایسته ای باید محدود گردد. هر گونه رقابت بخش دولتی و شبه دولتی با مردم باید به حداقل برسد و در صورت امکان حذف شود تا مردم به صورت حداکثری بتوانند در عرصه اقتصاد نقش آفرینی نمایند.

۳- نهاد یا نهادهایی مسئول رصد و همچنین عملیاتی کردن برنامه‌های موضوع مردمی شدن اقتصاد باشند تا این مهم به منصف ظهور برسد و اقتصاد ملی و خود مردم و در نتیجه نظام مقدس اسلامی از آن بهره مند شود. با توجه به اینکه قدرت و توان اراده عمومی و مردم بسیار مغتنم و فراتر از سایر قوا است، انتظار می رود توفیقات عملیاتی شدن مردمی شدن در کوتاه مدت ظهور و بروز نماید. رعایت هوشمندی و برنامه ریزی دقیق در این خصوص مورد تاکید است تا ظرفیت و قدرت عظیم مردم و برکات آن تحت الشعاع تصمیمات شتاب زده و بی برنامه قرار نگیرد. نظارت فعال سیاست گذار جهت حصول اطمینان از عملکرد صحیح مردم محوری و عدم مداخله‌های مخرب محیطی و داخلی در چرخه مفهومی ارائه شده، بسیار لازم و حیاتی است و ضروری است به صورت نظام مند و فعال صورت گیرد.

۴- طرح‌های حمایتی و قوانین و مقررات رفع تعارض و پروتکل‌های تقویتی اراده عمومی به تصویب برسد و جهت اجرای ابلاغ شوند. برنامه‌های تقویتی و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای تحقق و ظهور مردم محوری باید در برنامه‌های توسعه و سالانه اقتصادی کشور لحاظ شود.

منابع

فارسی:

اسدی، علی، «نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، س ۲، ش ۵، ۱۳۹۳.

امام جمعه زاده، سید جواد و محمودی رجا، سید ذکریا، «تجزیه و تحلیل جایگاه اقتصاد مقاومتی در تحقق گفتمان الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و چشم انداز افق ۱۴۰۴»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۳۳، ۱۳۹۴.

امیری طهرانی زاده، سیدمحمدرضا، «مبانی سیستمی اقتصاد مقاومتی»، دوفصلنامه جستارهای اقتصادی ایران، س ۱۲، ش ۲۳، ۱۳۹۴.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۱/۶/۰۲

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از کارآفرینان، ۱۳۸۹/۶/۱۶

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۰۳

بیانات مقام معظم رهبری در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰.

بیانات مقام معظم رهبری در حضور جمعی از مسئولان دستگاه های مختلف، فعالان اقتصادی، و مدیران مراکز علمی و رسانه ای و نظارتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم آذربایجان، ۱۳۹۳/۱۱/۲۹

پرایس، وینسنت (۱۳۸۲)؛ افکار عمومی؛ (ترجمه: علی رستمی، الهام مرتهمی)؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

تراب زاده جهرمی، محمد صادق، سید علیرضا سجادیه و مصطفی سمیعی نسب، «بررسی ابعاد و مولفه های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، س ۱۰، ش ۳۲، ۱۳۹۲.

توتونچیان، مهتری؛ افشاراحمدی، ایرج «اقتصاد مقاومتی به مثابه یکی از مولفه های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در شرایط تحریم»، مطالعات روابط فرهنگی بین الملل، س ۵، شماره ۱۱، ۱۳۹۸.

توکلی، محمدجواد، «بررسی نسبت اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی»، فصلنامه جستارهای اقتصادی، شماره ۳۲، ۱۳۹۸.

- جمالی، جواد، « درآمدی بر الگوی مدیریت افکار عمومی امام خمینی (ره)»، مطالعات عملیات روانی، شماره ۲۴، ۱۳۸۸.
- حسین زاده بحرینی، محمدحسین، «اقتصاد مقاومتی؛ راهکاری برای توسعه»، فصلنامه مشکوه، ش ۱۱۸، ۱۳۹۲.
- رحمان پور، محمد، «بررسی مبانی و اصول اقتصاد مقاومتی از دیدگاه قرآن»، فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی، شماره ۴۵، ۱۳۹۷.
- رحیمی، کاظم؛ رضاپورسردره، مجتبی؛ منصوری، قاسم؛ بدیعی، حسین؛ «مفهوم اقتصاد مقاومتی (اقتصاد پویا)»، فصلنامه پژوهش های جدید در مدیریت و حسابداری، شماره ۴۱، ۱۳۹۹.
- رفیعی، عبدالله؛ دولت ها و افکار عمومی (جنگ روانی)؛ تهران: دادار، ۱۳۸۲.
- سیاست های کلی «اقتصاد مقاومتی»، ۱۳۹۲/۱۱/۳۰.
- سیف، اله مراد؛ بهداد فر، محمد رسول؛ نویسنده مسئول: شیخ، علیرضا؛ «الگوی عدالت اقتصادی در چارچوب اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران» مطالعات دفاعی، شماره ۷۸، ۱۳۹۸.
- سیف، اله مراد، «الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران (مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری)»، فصلنامه آفاق امنیت، س ۵، ش ۱۶، ۱۳۹۱.
- سیفیلو(الف)، سجاد، «اقتصاد مقاومتی راهبرد دفاع غیر عامل اقتصادی»، فصلنامه سیاست دفاعی، س ۲۲، ش ۸۶، ۱۳۹۳.
- سیفیلو(ب)، سجاد، «مفهوم شناسی اقتصاد مقاومتی»، دوفصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی، س ۵، ش ۱۰، ۱۳۹۴.
- صحیفه نور (۱۳۶۴)؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۱۵.
- صمدی قربانی، ساجد، «بررسی تحلیلی نسبت اقتصاد مقاومتی با نظام اقتصادی اسلام به عنوان گره اصلی در عدم پیشرفت اجرایی سیاستهای ابلاغی رهبر معظم انقلاب»، فصلنامه پژوهش های اقتصاد مقاومتی، شماره ۴، ۱۳۹۶.

عباس آباد عربی، احسان ؛ بابائیان پور، مرضیه ؛ فکری، رکسانا ؛ «مدل مفهومی اقتصاد مقاومتی با تأکید بر الگوی چابکی سازمان ها»، فصلنامه راهبرد، شماره ۷۱، ۱۳۹۳.

غیاثوند، ابوالفضل، «مروری بر ادبیات جهانی درباره تاب آوری ملی»، مرکز پژوهش های مجلس، شماره مسلسل گزارش ۱۳۵۸۲، ۱۳۹۳.

فرزندی اردکانی، عباسعلی ؛ صفری، حسین ؛ سادات، میرمحمد ؛ بازرگانی، حسین ؛ «طراحی الگوی راهبردی - فرهنگی اقتصاد مقاومتی با ملاحظه اقتصادی - دفاعی مبتنی بر اندیشه های مقام معظم رهبری در ج.ا.ایران»، فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی، شماره ۲۷، ۱۳۹۷.

فروزانفر، محمد حسین ؛ نویسنده : ملاحسینی، علی ؛ ریاحی، محمدعلی ؛ نجفی پور، امیرعباس ؛ «طراحی الگوی اقتصاد مقاومتی بر اساس بیانات مقام معظم رهبری»، پژوهش های انقلاب اسلامی، شماره ۳۱، ۱۳۹۸.

فروغی زاده، یاسین و سیداحسان خاندوزی، «ارزیابی شاخص های جهانی برای سنجش درجه مقاومت اقتصادی»، مرکز پژوهش های مجلس، شماره مسلسل گزارش ۱۴۱۳۹، ۱۳۹۳.

فشاری، مجید و جواد پورغفار، «بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران»، مجله اقتصادی، س ۱۴، ش ۵ و ۶، ۱۳۹۳.

کرباسی، مهدی، «نقش مردم در تحقق و توسعه اقتصاد مقاومتی»، پنجمین همایش ملی اقتصاد مقاومتی با رویکرد تولید و اشتغال، اصفهان، ۱۳۹۶.

کمرپوریان، بهمن و مرادی، افشین، «نقش مردم در تحقق اقتصاد مقاومتی»، همایش پدافند غیر عامل مردم محور، آستارا، ۱۳۹۷.

لازار، ژودیت «افکار عمومی»، (ترجمه: مرتضی کتبی)؛ تهران: نشر نی. ۱۳۸۳.

مکیان، سیدنظام الدین و آزاده سعادت خواه، «اندازه گیری حداقل معاش با استفاده از سیستم مخارج خطی مطالعه موردی: جامعه شهری استان یزد (برنامه های سوم و چهارم توسعه)، فصلنامه پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، س ۲، ش ۵، ۱۳۹۰.

میرمعزی، سیدحسن، «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، س ۱۲، ش ۴۷، ۱۳۹۱.

هزاوئی، سیدمرتضی و علی زیرکی حیدری، «اقتصاد مقاومتی؛ نماد مدیریت جهادی در اقتصاد سیاسی ایران»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، س ۱۱، ش ۳۷، ۱۳۹۳.

یوسفی، احمدعلی و غفاری، مجتبی، «نقش مردم در اقتصاد مقاومتی (با تأکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب)»، دو فصلنامه پژوهش های اقتصاد مقاومتی، س ۱، ش ۱، ۱۳۹۵.

لاتین:

Briguglio, L., Cordina, G., Farrugia, N. and Vella, S. "Conceptualising and Measuring Economic Resilience." In Briguglio, L., Cordina, G., and Kisanga EJ. (eds) Building the Economic Resilience of Small States, Malta: Islands and Small States Institute and London: Commonwealth Secretariat, 2006

Frey, B.S. & Stutzer, A. (2000). Happiness, Economy and Institutions. *Economic Journal*. 110 (446): 918-938.

Kenny, C. (1999). Does Growth Cause Happiness, or Does Happiness Cause Growth?. *KYKLOS*. 52:3-26. Washington, DC.

Sen, A. "Issues in the Measurement of Poverty", *Scandinavian Journal of Economics*, vol.1, 1979.

Veenhoven, R. (1989). National Wealth and Individual Happiness. *Understanding Economic Behaviour*. 11: 9-32.

